

بازداشتگاه اوین Evin House Of Detention

اینترنت؛ محدودیت‌ها و سرکوب‌ها

نغمه شاهی سوندی در گفت‌وگو با «حقوق ما»:

صحنه‌سازی تجاوز در اوین

حضور نامرئی پارازیت و سایه سنگین فیلترینگ

کشورهای خاورمیانه؛ بزرگ‌ترین دشمنان اینترنت

اتهام؛ فعالیت در فیس‌بوک

جرم اینترنتی و نهادهای مسوول

در گفت‌وگو با علی نکویی:

رفع فیلترینگ به معنای تامین امنیت کاربران نیست

سیاست‌های دوگانه‌ی جمهوری اسلامی در قبال اینترنت؛

سیاسیونی دنبال‌کننده‌ی خود



۴۷ زن و ۴۲ مرد به اتهام شرکت در پارتی شبانه بازداشت شدند. روزنامه شهروند چهارشنبه ششم خرداد خبر داد که این ۸۹ تن از طریق شبکه‌های اجتماعی موبایلی مانند وایپر، واتس‌آپ، لاین، تانگو و اینستاگرام یکدیگر را برای پارتی‌های شبانه در شهرستان پردیس دعوت می‌کردند. پلیس گفته هنگام بازداشت این افراد «چهار لیتر مشروبات الکلی کشف شده است»

اتهام این افراد «رابطه نامشروع و شرب خمر» اعلام شده و برای دو متهم اصلی پرونده افزون بر این اتهامات، «برپایی مرکز فساد» نیز تفهیم اتهام شده است. حیدر فتاحی، دادستان پردیس در این باره گفت «شهرستان پردیس با توجه به داشتن مناطق بکر و سرسبز و وجود باغ‌های زیاد شرایط ویژه‌ای دارد که باعث شده است برخی افراد با سوء استفاده از این موقعیت به احداث باغ‌ها یا اجاره آن‌ها به بهانه برگزاری جشن اقدام کرده و از این موقعیت به بدترین شکل ممکن بهره‌برداری کنند. نیمه‌های شب دختران و پسران بدون هیچ‌گونه رابطه محرمیتی در محل حاضر می‌شدند و به رقص و پایکوبی می‌پرداختند». در ایران سال‌هاست که مهمانی‌های شبانه مورد حمله نیروهای انتظامی و سپاه قرار می‌گیرد. دی‌ماه سال گذشته نیز نیروهای بسیج با حمله به یک جشن در مشهد ۸۴ نفر را بازداشت و تحویل مقام‌های قضایی دادند.



همایون امیرزاده رئیس هیات رسیدگی به تخلفات ناشران با اشاره به صدور ۱۴۱ رای در طول ۱۰ روز برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، گفت: «۱۱۶ مورد از این آرا محرومیت از حضور در نمایشگاه سال آینده است».

به گفته رئیس هیات رسیدگی به تخلفات ناشران ۹۵ درصد از آرای صادر شده مربوط به ناشرانی بوده که اقدام به عرضه و فروش کتاب‌های «سایر ناشران» کرده بودند. امیرزاده به خبرگزاری مهر گفت: «همان‌گونه که امسال در راستای تجدیدنظر در خصوص ناشرانی که سال گذشته از حضور در نمایشگاه کتاب ۹۴ محروم شده بودند، اقدامی صورت نگرفت و این مساله باعث رضایت‌مندی صنف نشر شد، قصد داریم این مسیر را برای سال آینده هم ادامه دهیم».

بیست و هشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در مدت کار خود همچون سال‌های گذشته شاهد توقیف غرفه‌ها و فروش کتاب‌ها بود.



سازمان گزارش‌گران بدون مرز کین‌ورزی دستگاه قضایی علیه **احمد زیدآبادی** را محکوم کرد. در اطلاعیه این سازمان آمده است که «گزارش‌گران بدون مرز کین‌ورزی قضایی مقامات ایران علیه احمد زیدآبادی چهره برجسته روزنامه‌نگاری ایران را محکوم می‌کند. این روزنامه‌نگار در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ پس از تحمل شش سال زندان برای سپری کردن پنج سال مجازات تکمیلی‌اش به شهر گناباد تبعید شد».

احمد زیدآبادی ۵۰ ساله و پدر سه فرزند، در تاریخ ۲۴ خرداد ۸۸ و دو روز پس از انتخاب مجدد محمود احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری اسلامی ایران در انتخاباتی بحث‌برانگیز، بازداشت و در دادگاه‌های بزرگراه شده در مرداد و شهریور همان سال محاکمه شد. زیدآبادی بر اساس حکم صادره از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران در تاریخ ۲ آذرماه، به شش سال زندان و پنج سال تبعید به شهر گناباد و محرومیت همیشگی از فعالیت‌های رسانه‌ای و سیاسی محکوم شد.

رضا معینی مسوول بخش ایران و افغانستان سازمان گزارش‌گران بدون مرز اعلام کرد: «این محرومیت‌ها با اصل‌های ۱۲ و ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی که ایران از امضا کنندگان آن است، مغایر هستند. احمد زیدآبادی باید در کنار خانواده خود بماند و بتواند آزادانه فعالیت‌های حرفه‌ای خود را از سر گیرد».



صحنه‌سازی تجاوز در اوین

نغمه شاهی‌سوندی در گفت‌وگو با «حقوق ما»



مدیار سعید نژاد

«وسط بازجویی من را فرستادند یک اتاق دیگر، با لحن بدی گفت بربیدش تا ببایم. یعنی بیاید برای تجاوز، تهدیدی که در تمام مدت بازداشت و بازجویی وجود داشت. ترسیده بودم، گریه می‌کردم، هوار می‌زدم، التماس می‌کردم که من را از آن‌جا ببرند. ساعتی که آن‌جا بودم، بدترین ساعت زندگی‌ام بود، با هر صدای پایبی جیغ می‌زدم و التماس می‌کردم، در نهایت بازجو آمد و گفت تو که از کم‌ترین چیزها می‌ترسی، [...] می‌خوری حرف می‌زنی، [...] می‌خوری درست جواب نمی‌دهی.»

این صحنه‌سازی تجاوز در زندان اوین برای نغمه شاهی‌سوندی اتفاق افتاده، شهروند - خبرنگاری که از ۷ دی ۹۲ به مدت ۷۵ روز در بند ۲ الف زندان اوین به سر برده است. وی به اتفاق ۷ نفر از دوستانش در فاصله‌های زمانی مختلف در همان سال بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. اتهام شاهی‌سوندی و دیگر دوستانش راه انداختن صفحات فیس‌بوکی و اطلاع‌رسانی پیرامون موارد نقض حقوق بشر در ایران بود. وی به اتهام تبلیغ علیه نظام، توهین به آیت‌الله خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای از سوی قاضی مقیسه، رییس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب، به ۷ سال و ۹۱ روز زندان محکوم شد.

مسعود قاسم‌خانی، مهدی ری‌شهری، رویا صابری‌نژاد، فریبرز کاردارفر، امیر گلستانی، امین اکرمی‌پور و مسعود سید طالبی دیگر دوستان وی در این پرونده هستند که به حبس‌های

سنگین و طولانی مدت محکوم شده‌اند.

• **بازداشت در کرمان و انتقال به تهران**

شاهی‌سوندی، ساکن کرمان بود که بازداشت شد، هنگامی که برای خرید از منزل بیرون رفته بود، با تماسی که که فکر می‌کرده از پست است و بسته‌ای برای‌اش آورده به خانه باز می‌گردد و با حضور ماموران امنیتی در جلوی خانه و درون خانه روبه می‌شود: «بچه‌های‌ام، عمه و مادرم هم داخل خانه بودند. شخصی که از تهران آمده بود و حکم بازداشت من را داشت گفت شما خانم شاهی‌سوندی هستی؟ گفتم بله. گفت من حکم بازداشت و تفتیش منزل شما و انتقال شما به بند ۲ الف زندان اوین را دارم. گفتم به چه جرمی؟ جواب دادند که حالا شما بفرمایید بنشینید تا اول خانه را بازرسی کنیم. همه خانه را تفتیش کردند، به هم ریختند، کامپیوتر، هاردها و سی‌دی‌ها را همه را جمع کردند. حتا آقایانی که از اطلاعات کرمان بودند، وسایل همسرم را بازرسی کردند و مدارک مربوط به او را برداشتند. در خانه به من دست‌بند و چشم‌بند زدند و سوار ماشین کردند. در ماشین گفتند که سرت را پایین ببر که کسی تو را نبیند. سوار ماشین شدم و من را بردند فرودگاه کرمان و دو سه ساعتی آن‌جا بودم. اما پرواز تهران کنسل شد و شب به یک بازداشت‌گاه منتقل شدم.»

بعد از یک شب بازداشت، شاهی‌سوندی برای تفهیم اتهام به دادگاهی در کرمان منتقل می‌شود: «قاضی تنها حرفی که من زد این بود که فکر می‌کنی جمهوری اسلامی آن‌قدر گشاد است که امثال شما بخواهید به آن نفوذ کنید؟ بحثی بود آن‌جا که می‌گفتند باید در کرمان باشم و همان‌جا رسیدگی کنند، اما مامور اطلاعات تهران می‌گفت حکم بازداشتش را از

تهران دارم، بعد از تمام شدن کارمان او را به کرمان منتقل می‌کنیم. دوباره - و در حالی که به شکل بدی به من دست‌بند زدند - به بازداشتگاه منتقل شدم. من را به تخت بستند خیلی اذیت کردند. توهین می‌کردند. می‌گفتند که شما عوضی‌ها آرامش ما را به هم می‌زنید، به خاطر شما همیشه دغدغه داریم.»

• زندان اوین و سلول انفرادی؛ اینجا حق نداری...

«واقعاً رسیدم به زندان اوین. از شدت فشار گریه می‌کردم و استرس زیادی داشتم. مامور اطلاعات گفت که از چه چیزی می‌ترسی؟ گوانتانامو و ابوغریب که نیست، زندان جمهوری اسلامی است. این‌جا توبه می‌کنی و می‌روی. همان موقع هم تماس گرفت و گفت مهمان جدید آمده، در را باز کنید.»

نغمه شاهی سوندی که به گفته‌ی خودش به شدت ترسیده بود، بعد از معاینه پزشکی و طی مقدمات ورود، همراه با آزار روانی بوده به سلولی انفرادی در بند ۲ الف زندان اوین منتقل می‌شود: «سلول خیلی کوچکی بود. وقتی دراز می‌کشیدم شاید ۲۰ سانت از قد من بلندتر بود، نه دست‌شویی داشت و نه چیز دیگری. نگهبان

یک مقوای نارنجی به من داد، گفت اینجا حق نداری حرف بزنی، حق نداری چیخ و گریه کنی، صدایات نباید بیرون بیاید. هر موقع کاری بود این مقوا را از دریچه پایین در سلول می‌دهی بیرون. پرخاش‌گرانه هم گفت زیاد هم این مقوا را بیرون نمی‌گذاری، این‌جا دیگر جایی نیست که لوس و نسر بازی در بیاوری.»

• احساس ترس؛ وقتی آزاد شدم دیگر آدم قبلی نبودم

«خیلی ترسیده بودم، در یکی دو هفته اول به طور دایم می‌لرزیدم، نمی‌توانستم خودکار را در دست بگیرم. به حدی ترسیده بودم که زانوهایم به طور دایم می‌لرزید. ترس از زندان نبود، ترس از این بود که به چه زندانی آمده‌ام. یعنی چیزهایی که شنیده بودم، خوانده بودم و... اصلن فعالیت من این بود که درباره زندان‌ها صحبت می‌کردم و حالا خودم آن‌جا بودم. روزی که من را بازداشت کردند، خیلی ترسیده بودم، مادرم گریه می‌کرد، بچه‌هایم گریه می‌کردند. عمه من هم که خودش زندانی دهه‌ی ۶۰ بود با ترس می‌پرسید که نغمه چه کار کردی؟ تنها چیزی که به مادر گفتم این بود که مادر نباید گریه کنی. هزار نفر مثل من آن‌جا هستند، اگر توانستم که می‌آیم بیرون. ماموری که آن‌جا بود گفت حق داری، باید هم این‌گونه به مادرت دل‌داری بدهی. بعد به بچه‌ام گفت گریه نکن، مادرت را به امام‌زاده صالح می‌بریم.» شاهی سوندی همچنان با تلخی از اتفاقاتی که در طی دوران بازداشت برای وی افتاده، سخن گفت. تاثیر بازداشت و دوران بازجویی هم‌چنان همراه وی است: «این‌ها یک سیستمی دارند در بازجویی‌ها که دقیقاً نقطه ضعف شما را پیدا می‌کنند. بازجوی بد و بازجوی مهربان داشتم. یک



با خودم فکر می‌کردم که باید کاری می‌کردم که یا این‌جا من را می‌کشند یا تا ابد نگهم می‌داشتند، چون این دنیای بیرون هم دیگر آن دنیای قبل از زندان نیست، حتی آسمان هم دیگر مثل قبل نبود، آدم‌ها حتی. من نداشتم. چیزهایی آن‌جا جلوی من گذاشتند که باورم نمی‌شد. از من به عنوان یک شهروند، آدمی که فقط یک شهروند خبرنگار است، نمی‌شد. از من به عنوان یک شهروند، آدمی که فقط یک شهروند خبرنگار است، ثانیه به ثانیه در خیابان عکس گرفته بودند، من چطوری می‌توانم دیگر به چیزی اعتماد کنم؟ فکر می‌کنم هر کسی می‌رود زندان و بازجویی و شکنجه و ... تجربه می‌کند، وقتی بیرون می‌آید دیگر آدم قبلی نیست.»

• تجربه اول بازجویی؛ حالا حالاها باید بنویسی

«همان شب اول، یک زندانی دیگری بود که ضجه و داد می‌زد، از شدت ترس ضربان قلبم بالا رفته بود. مقوا را از دریچه گذاشتم بیرون که پرسم چه بلایی سرش آورده‌اند. می‌خواستم بدانم فردا چه چیزی در انتظار من است که نگهبان آمد و گفت؛ قرآن خوانده و دارد توبه می‌کند و گریه‌اش به خاطر آن است. گفت این‌جا دلت برای کسی نسوزد، به فکر خودت باش.»

اولین تجربه بازجویی شاهی سوندی در روز دوم بازداشت اتفاق می‌افتد، جایی که او را صدا می‌زنند و با چشم‌بند نزد بازجو می‌برند: «گفتند که کارشناس‌ات آمده است. همان بازجو منظورشان بود البته! با چادر و چشم‌بند رفته اتاق بازجویی. وقتی که رفته‌ام همان اول یک پرونده که شاید ۳۰۰ - ۲۰۰ برگ بود گذاشت جلوی‌ام و گفت این جرایم شما است، یکی یکی ورق بزن. این‌ها با توجه به این که صفحه‌های فیس‌بوکی ما را گرفته بودند، با تحت فشار قرار دادن دوستان‌ام به ایمیل‌ها و شنود تلفن من، به همه چیز دسترسی داشتند و همه را پرینت گرفته بودند، حتی مسیج‌ها در وی‌چت، وایپر و... همین‌طور برگ می‌زد و نگاه می‌کردم، خب خیلی از آن‌ها هم برای من نبود، ولی خب اوین که می‌روی، اولش نمی‌دانی کجا آمده‌ای. به خودم گفتم که چه یک صفحه و چه ده صفحه‌اش برای من باشد یک جرم و اتهام دارد دیگر، پس نگو هیچ وقت که این‌ها برای من نبوده و گفتم که این‌ها در صفحه‌های من بوده است. یک ورق و خودکار داد و گفت که یک بیوگرافی از خودت بنویس. به حدی وحشت کرده بودم که قلم را نمی‌توانستم دست بگیرم.

جوری با روان من بازی کرده بودند، که حتی یک جاهایی می‌گفتم، در این قسمت تند رفتم مثلن. یک ساعت بعد سید می‌آمد کاری می‌کرد که می‌گفتم خیلی وحشتناک است. در واقع کاری با من کردند که موقعی که از در اوین می‌آمدم بیرون می‌دانستم که دیگر آن آدم قبلی نیستم، دوست داشتم که برگردم کاری کنم. پشیمان بودم از این که کاری کردم که آزاد شدم، با این که می‌دانستم خانواده‌ام منتظر هستند. با خودم فکر می‌کردم که باید کاری می‌کردم که یا این‌جا من را می‌کشند یا تا ابد نگهم

می‌داشتند، چون این دنیای بیرون هم دیگر آن دنیای قبل از زندان نیست، حتی آسمان هم دیگر مثل قبل نبود، آدم‌ها حتی. من دیگر حتی به سایه‌ام هم اعتماد نداشتم. چیزهایی آن‌جا جلوی من گذاشتند که باورم نمی‌شد. از من به عنوان یک شهروند، آدمی که فقط یک شهروند خبرنگار است، ثانیه به ثانیه در خیابان عکس گرفته بودند، من چطوری می‌توانم دیگر به چیزی اعتماد کنم؟ فکر می‌کنم هر کسی می‌رود زندان و بازجویی و شکنجه و ... تجربه می‌کند، وقتی بیرون می‌آید دیگر آدم قبلی نیست.»

طوری شده بود که حتی دو خط که می‌نوشتیم، می‌دیدم که چقدر غلط املایی دارم. آن‌قدر تمرکز نداشتم. گفته بود که بیوگرافی بنویس من فقط اسم و فامیل و سنم را نوشتیم. نگاه کرد و گفت همین؟ بنویس. حالا حالاها باید بنویسی.»

وادر کردن زندانی به «تک نویسی» در مورد دیگر زندانیان یا دیگر افراد، از شیوه‌های رایج در بازجویی‌های زندان‌های ایران است که این فعال سایبری نیز با آن روبه‌رو شده است: «می‌گفت در مورد اولین پستت بنویس، در مورد آقا بنویس. تو کی هستی که در مورد آقا حرف زدی؟ تو آن‌قدر نجسی که نباید می‌نوشتی. یک بار آمدم بگویم در مورد آقا چیز بدی نوشتیم، گفت اسم آقا را با دهن نجس‌ات نیاور! با چه جراتی عکس آقا را گذاشتی در فیس‌بوک و در موردش حرف زدی؟ نکته دیگر این که من مدام ذهنم درگیر دیگر دوستانم بود که بازداشت شده بودند، آن‌قدر آن‌ها را آزار داده و شکنجه کرده بودند که می‌ترسیدم حرفی بزنم که علیه‌شان باشد. وقتی تنها هستی فقط از خودت دفاع می‌کنی، ولی وقتی گیر آن‌ها بودم، سخت بود. مدام می‌گفتم نکنند چیزی بنویسم که کس دیگری گرفتار شود. ولی این را فهمیده بودند، هر روز ۲۰ - ۱۰ صفحه کاغذ می‌آوردند و می‌گفتند درباره فلانی بنویس! امین اکرم پور، امیر قاسم خانی، رویا صباری و... وقتی می‌نوشتیم، نگاه می‌کرد و با دفترچه از پشت می‌زد توی سر من و می‌گفت من می‌گویم چه بنویس، اینها چیست که می‌نویسی؟»

• شکنجه‌های روحی و جسمی؛ بازجویی در مورد بدنم

«مدام تهدید می‌شدم. مثلن می‌گفت اگر مسعود را بردیم و ۴۰ روز آویزان کردیم با تو جور دیگر رفتار می‌کنیم نغمه، از پا آویزان نمی‌شوی! مدام تهدید بود، مدام توهین، مدام حرف‌های کثیف می‌زدند. بعد از مدتی بازجویی‌ها در مورد صفحه‌ها و فعالیت‌ها، عکس‌های خانوادگی را آوردند و جلوی

من می‌گذاشتند و سه چهار ساعت در بازجویی در مورد عکس‌های من نظر می‌دادند. می‌گفت تو نمی‌خواهد بروی فعالیت کنی، تو برو... نمی‌توانم بیان کنم که چه حرف‌هایی به من زدند! در مورد جزء به جزء بدن من صحبت می‌کردند. بدترین توهین‌ها را می‌کردند. فقط یک مورد را بگویم، بازجو می‌ایستاد روبروی من، کسی که اسمش سید بالاگرد و نماینده دادستان بود، یک ساعت در مورد رابطه جنسی یک زن و مرد حرف می‌زد، فشار من بالا می‌رفت و کافی بود مثلن یک آه بکشم، می‌گفت دارم درباره تخصص تو حرف می‌زنم، عصبانی شدی؟ جایی اشتباه گفتم؟ ساعت‌ها به خاطر چیزهایی که ربطی به پرونده نداشت من را تحت فشار و شکنجه روحی قرار می‌دادند.»

ضرب و شتم، شکنجه‌های روحی و توهین از آزارهایی است که این فعال سایبری در آن با ناراحتی یاد می‌کند: «صندلی را بلند کرد و

به کمرم زد که چرا اسم صفحه فیس‌بوک تو این است! در مورد خواهر و بستگانم در خارج از کشور سوال می‌کردند و دلیل کارهای‌شان را از من می‌پرسیدند. چیزهایی در موردشان می‌گفتند که خودم نمی‌دانستم. نه تنها این‌ها را از من می‌پرسیدند، بعداً فهمیدم که تماس می‌گرفتند و از مادرم هم می‌پرسیدند که مثلن چرا آن یکی دختر پناهنده است؟ باور کنید حاضر بودم ساعت‌ها من را بزنند، ولی آن‌قدر از نظر روحی آزارم ندهند.»

فشار برای اعتراف به مسایل غیراخلاقی نیز از دیگر آزارهای روحی است که زندانیان سیاسی در ایران به کرات از تحمل آن در بازجویی‌ها سخن گفته‌اند، اتفاقی که برای نغمه شاهی سوندی نیز افتاده است: «می‌گفتند که شما هشت نفر بودید، شش مرد و دو زن، پس حتمن با هم رابطه نامشروع داشتید. اعتراف کنید که رابطه نامشروع داشتید. مگر نمی‌خواهی بروی پیش بچه‌های‌ات؟ بچه‌ات دارد می‌میرد، اعتراف کن و برو. ما قول می‌دهیم صدای‌اش را هم در نیاوریم. ساعت‌ها می‌شنیدم که در اتاقی دیگر دارند دوست خودم را بازجویی می‌کنند و می‌زنند! یعنی به خاطر هیچ، طوری ما هشت نفر را نابود کردند که...»

• اعتراف تصویری؛ من غرق شده‌ی دنیای مجازی هستم!

«ساعت‌ها می‌آمدند فیلم می‌گرفتند که مستندسازی کنند. می‌گفتند که باید بگویم من غرق شده‌ی دنیای مجازی هستم، دنیای مجازی زندگی من را خراب کرده است. حتی از من می‌خواست که علیه دوستم اعتراف کنم. اما نمی‌توانستم این را بپذیرم، چون صدای ناله‌های دوستانم را در آن زیرزمین لعنتی می‌شنیدم که می‌زندشان، صدای التماس‌شان را می‌شنیدم.»

از جمله آزارهایی که شاهی سوندی از آن صحبت می‌کند، تحت فشار قرار دادن او و دیگر دوستانش برای اعتراف علیه یک‌دیگر بوده است. تا جایی که آن‌ها را با هم در اتاق بازجویی روبه‌رو کرده‌اند: «جلوی خودم دوستم را آوردند و روبه‌روی من نشاندند. به او می‌گفتند که زنا را می‌آوریم همین‌جا و جلوی خودت... بعد آن بازجوی مثلن مهربان می‌گفت نه حاج آقا نگو، مرد است و غیرت دارد، ناراحت می‌شود. بعد حاج آقا می‌گفت نه، اگر غیرت داشت که این‌کارها را نمی‌کرد، می‌رفت بالای سر زنش می‌نشست. هر دوی ما چشم‌بند داشتیم، جلوی من هزار حرف کثیف به او زدند و کثیف‌ترین حرف‌ها را در مورد من کردند چون دیدند نمی‌خواستیم علیه هم حرف بزنیم. بعد او را بردند یک اتاق دیگر و صدای پرت شدن صندلی آمد. صدای‌شان می‌آمد که می‌گفتند حرف نمی‌زنی؟ دوباره ۳۰ روز دیگر از پا



بازجو به من می‌گفت تو نمی‌خواهد بروی فعالیت کنی، تو برو... نمی‌توانم بیان کنم که چه حرف‌هایی به من زدند! در مورد جزء به جزء بدن من صحبت می‌کردند... بازجو می‌ایستاد روبروی من، کسی که اسمش سید بالاگرد و نماینده دادستان بود، یک ساعت در مورد رابطه جنسی یک زن و مرد حرف می‌زد، فشار من بالا می‌رفت و کافی بود مثلن یک آه بکشم، می‌گفت دارم درباره تخصص تو حرف می‌زنم، عصبانی شدی؟ جایی اشتباه گفتم؟

آویزانت می‌کنیم.» این فشارها سبب رنج و آلام روحی بسیاری برای وی شده به طوری که می‌گوید: «جوی آن‌جا درست کرده بودند که هر حرفی می‌زدند قبول می‌کردم و اعتراف می‌کردم. فقط برای این که این رنج‌ها و آزارها از روی من برداشته شود.»

• صحنه‌سازی تجاوز؛ آزار و تهدید در اوین، بدگمانی و شک بیرون از زندان

«همسر من هیچ وقت این قضیه را نپذیرفت، هیچ وقت با من تماس تلفنی نداشت. من هر چند روز یک بار با بچه‌های‌ام حرف می‌زدم. به خاطر این که حال‌شان خیلی بد بود. ولی همسرم هرگز با من حرف نزد. برای این که شنیده بود آن‌جا چه جایی است. با این که جو تجاوز درست کرده بودند، اما هیچ وقت به من تجاوز نشد. ترس و جوش بود، اما هیچ وقت همسرم این را نتوانست بپذیرد. من از بازجویی‌های اوین آمدم، ولی چشم باز کردم و دیدم که در بازجویی‌های همسر و اطرافیانم افتاده‌ام. اصلن مردم به یک شکل دیگر به من نگاه می‌کردند، وقتی برگشتم خانه، هر کسی مرا می‌دید به جای این که پرسند نغمه خوبی؟ می‌پرسیدند به تو تجاوز هم کردند؟ بدترین حالتی است که برای ما به وجود می‌آورند.»

علاوه بر صحبت درباره مسایل جنسی و زدن اتهام‌های اخلاقی - که جزء لاینفک بازجویی بود - شاهی‌سوندی در بازجویی‌ها تهدید به تجاوز شده بود: «مدام من را تهدید به تجاوز می‌کردند. بیش‌تر صحبت‌ها و بازجویی‌ها همیشه این مساله را هم داشت. انگار با یک زن فاحشه دارند صحبت می‌کنند، یک بار وسط بازجویی من را فرستادند یک اتاق دیگر که تجاوز کنند، با لحن بدی گفت بپریش تا بیایم، چیزی که در تمام مدت بازداشت و بازجویی به آن تهدید می‌شدم. یک جایی بود که انگار انبارشان بود، پر از آب میوه، میوه و سیگار و... به شدت ترسیده بودم، فقط گریه می‌کردم، هوار می‌زدم و التماس می‌کردم که من را از آن‌جا ببرند، یعنی ساعتی که آن‌جا بودم، بدترین ساعت زندگی‌م بود، با هر صدای پایی جیغ می‌زدم و التماس می‌کردم... آخر سر بازجو آمد و گفت تو که از کم‌ترین چیزها می‌ترسی، [...] می‌خوری حرف می‌زنی، [...] می‌خوری درست جواب نمی‌دی.» این فعال سایبری مثال‌های متعددی دیگری از این رفتارهای غیرقانونی و هتک حرمت‌ها در زمان بازجویی به یاد دارد: «یک بار من را نشانده بودند پشت این شیشه‌ها که آن طرفش را نمی‌شود دید، از زیر شیشه کاغذ می‌دادند تا بنویسم. بعد از پشت شیشه حرف می‌زدند که ببین چقدر خوشگل است، حیف نیست این زندانی است، این را آزادش کنید برود بیرون تا... حرف‌هایی که قادر به بیاننش نیستم.»

• آزادی

«حالم در زندان خیلی بد شده بود، اگر یک هفته دیگر می‌ماندم آن‌جا مجبور بودند که من را به بیمارستان انتقال بدهند، قبل از زندان هیچ نوع مرضی نداشتم، اما به خاطر فشارها حتا راه هم نمی‌توانستم بروم. بازجویی‌های‌ام هم تمام شده بود و دیگری چیزی نمانده بود. با ۱۷۰ میلیون وثیقه آزاد شدم و حتا بعد از آزادی هم مدام دکتر می‌رفتم.»

آزادی شاهی‌سوندی چند روزی برای سوال در مورد دیگر خانواده‌زندانان سیاسی با تاخیر می‌افتد: «حتا وقتی وثیقه گذاشتند هم باز چند روز بیش‌تر ماندم در زندان، می‌گفتند که یک سری سوالات دیگر داریم. سوال‌های‌شان در مورد خانواده‌ی زندانان سیاسی بود، که چه کسانی را می‌شناسم

و باید در موردشان می‌نوشتیم. سرانجام ۲۴ اسفند ۱۳۹۲ آزاد شدم.»

• **قاضی مقیسه؛ طلاق را از شوهرت می‌گیرم!**

«قاضی مقیسه حتا اجازه دفاع کردن به من و دیگر دوستانم در دادگاه نداد. در دادگاه بدوی حتا اجازه ندادند وکیل داشته باشم. من از صبح رفته‌م دادگاه، بچه‌ها را هم یکی یکی آوردند از اوین. حتا یکی از بچه‌ها که حرف زد، قاضی مقیسه لیوان را برداشت و به سمتش پرت کرد که حرف نزن، نباید حرف بزنی. قاضی چرا باید این‌کار را بکند؟ مگر نباید دفاع کنیم از خودمان در دادگاه؟ هر جا می‌رفتم همین‌طور بود، باز پرس شعبه ۸ به مادر یکی از بچه‌ها جلوی خودش بدترین و رکیک‌ترین حرف‌ها را زد. به پسرزن حتا گفت تو را هم الان می‌دهم بازداشت کنند.» قاضی مقیسه رئیس شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی از جمله قضاتی است که در طی سال‌های گذشته حکم‌های متعدد و سنگینی علیه زندانیان سیاسی صادر کرده است. همچون موارد دیگر که زندانیان سیاسی از آن سخن گفته‌اند او اجازه دفاع را به شاهی‌سوندی و دیگر دوستانش نداد: «قاضی مقیسه اصلن نمی‌گذاشت حرف بزنم. می‌گفت در حدی نیستی اصلن. برو به شوهرت برس، برو به زندگی‌ت برس. تو حتا لیاقت دادگاهی که برای‌ات تشکیل شده را نداری. من می‌دانم که با شوهرت مشکل داری، ۴۸ ساعت به من وقت بده تا من طلاق رو از شوهرت بگیرم، تو می‌توانی بری بهترین شوهرها گیرت بیاد. این حرف را موقعی زد که بچه‌ها را برده بودند زندان، اصلن دلیل نداشت دوباره من را صدا بزنند، آن‌جا منشی دفترش را صدا زد و گفت این زن کو؟ این زن رو بردارید بیارید. که رفته داخل و این حرف را به من زد.»

• احضار و آزار بعد از آزادی

«بعد از آزادی مدام احضار می‌شدم. بازجو زنگ می‌زد و می‌گفت دلت برای ما تنگ نشده بیای اینجا یک سر. با یک لحن بسیار زشت. یک بار حتا چند ساعت بازداشت شدم دوباره، من را به اتاقی بردند که از داخل دستگیره نداشت، همین سید بالاگرد بازجویم آمد و بدترین اهانت‌ها و توهین‌ها را به من کرد. به من می‌گفت جوری می‌توانیم پرونده شما هشت نفر را بسازیم که همه‌تان حکم اعدام بگیرید. هر کاری بخواهیم روی پرونده می‌کنیم.»

نغمه شاهی‌سوندی سرانجام تصمیم به ترک ایران گرفته و از کشور خارج شد: «از ترس زیاد از ایران آمدم، از ترس، این که این پرونده هنوز که هنوز است ادامه پیدا کرده است. این‌طوری زندگی همه ما را خراب کردند، زندگی خود من که همه چیزش از بین رفت و الان با دو تا بچه این‌جا آواره هستم. برای من مهم است که مردم این بچه‌ها را به یاد بیاورند که الان زندانی هستند، ولی کسی دنبال کار ماها نیست، چون ما جزو کسانی نیستیم که همه بشناسندشان و پیگیر پرونده‌های‌شان باشند. دوست دارم طوری بشود که مردم بشناسند، نه این‌ها را فقط، همه کسانی که گمنام در زندان هستند و حمایتی ندارند. دفاع از حقوق بشر تبعیض ندارد. باید همه را یکسان دید، چه آن کسی که همه می‌شناسندش و چه من و دوستانم که کسی نمی‌شناسد ما را. باید همه برابر پیگیری بشوند، ما هم خیلی زجر کشیدیم. وقتی شخص معروفی یا کسی که همه پیگیری وضعیت‌اش هستند را می‌برند اوین، نمی‌تواند انقدر اهانت و آزار و اذیت کنند، اما ماهایی که این‌طوری گمنام می‌رویم و گمنام می‌آییم همه زندگی‌مان را از دست می‌دهیم.»

حضور نامرئی پارازیت و سایه سنگین فیلترینگ



شیدا جهان‌بین

با گسترش روزافزون شمار کاربران اینترنتی در جهان، میزان نفوذ اینترنت به عنوان وسیله‌ای برای اطلاع‌رسانی نیز بالا رفته است. اینترنت و دسترسی آسان و انتقال اطلاعات از این طریق نقش رقیبی برای رسانه‌های وابسته و تحت کنترل دولت‌ها را ایفا می‌کند. در سال‌های اخیر همچنین اینترنت نقشی کلیدی در جنبش‌های اعتراضی در دنیا ایفا کرده است؛ نقشی که دولت‌های تمامیت‌خواهی

مانند ایران را به هراس می‌اندازد و سبب می‌شود که این دولت‌ها تلاش خود برای کنترل اینترنت را به صورت مدارم افزایش دهند. گزارش «خانه آزادی» نشان می‌دهد، دولت‌های زیادی در پی کنترل جریان اطلاعات در اینترنت هستند، چرا که معتقدند اینترنت در بسیاری از کشورها «محللی برای فعالیت‌های اعتراضی» است.

جدیدترین آمارهای دولتی در ایران نشان می‌دهد که ضریب نفوذ اینترنت در کشور به ۵۳،۲۹ درصد رسیده و اتصال به شبکه اینترنت از طریق تکنولوژی‌های رایج‌ترین سهم را در میان سایر اتصالات داشته است. خبرگزاری مهر در آبان ۹۳ نتیجه تحقیقی را منتشر کرد که بر اساس آن ضریب نفوذ فناوری‌های رایج‌ترین در ایران ۱۷،۵۳ درصد برآورد می‌شود و این فناوری ۵ میلیون و ۲۶۸ هزار و ۱۶۷ مشترک نیز دارد. آمارهای ارایه شده حاکی از آن است که هم‌چنان ۹،۲۳ درصد کاربران اینترنت در ایران با اینترنت دایرکت‌آپ به شبکه جهانی متصل می‌شوند و تعداد کاربران این فناوری نیز ۶ میلیون و ۹۳۴ هزار و ۷۶۰ نفر و تعداد مشترکان ۳ میلیون و ۴۶۷ هزار و ۲۸۰ نفر برآورد می‌شوند.

بنا بر اطلاعات رسمی منتشر شده در وب‌گاه اتاق بازرگانی تهران، تنها در طی سال ۱۳۹۲ واردات سخت‌افزار (برای کامپیوتر و شبکه اینترنت) و گوشی تلفن همراه، از دو کشور چین بیش از دو میلیارد دلار و از امارات متحده عربی بیش از یک میلیارد و نیم دلار بوده است و در این میان، صدها شرکت واردات نرم‌افزار کامپیوتر و اینترنت که بسیاری از آن‌ها وابسته به سپاه پاسداران و مقامات حکومتی هستند، از این بازار پر منفعت بهره‌مند می‌شوند.

در کشوری مانند ایران، کاربران اینترنت بیش‌تر از سایر کشورها از اینترنت، به عنوان رسانه‌ی «جایگزین» استفاده می‌کنند. بر پایه‌ی گزارش خانه آزادی، هم‌زمان با روند رو به رشد بهره‌گیری فعالان از فضای اینترنتی، اعمال محدودیت‌ها برای دسترسی آزاد کاربران به اینترنت، اعم از فیلترینگ، حملات سایبری، دستگیری بلاگرها و فعالان اینترنتی هم افزایش چشمگیری داشته است. این در حالی است که بازداشت‌های فعالان سایبری، به شکنجه و حتی قتل آنان نیز منجر شده است و در این رابطه می‌توان به دو وبلاگ‌نویس ایرانی به نام‌های امیدرضا میرصیافی و ستار بهشتی نیز اشاره کرد.

دولت ایران از راه‌های مختلفی برای محدود کردن دسترسی شهروندان به اینترنت و اطلاعات آزاد استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها؛ ارسال پارازیت بر روی شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیویی است. راه دیگر سانسور اطلاعات و به صورت کلی رهگیری مخالفان در داخل مرزهای ایران است که البته این اتفاق در سال‌های اخیر با کمک کشورهای دیگر به دولت ایران؛ صورت گرفته است. با این حساب می‌توان عنوان کرد که نقش کشورهای دیگر نیز در سرکوب اینترنت در ایران غیر قابل انکار است. بر اساس گزارشی که با نام «دشمنان اینترنت» به مناسبت روز جهانی مبارزه با سانسور در اینترنت در سال گذشته از سوی سازمان گزارشگران بدون مرز منتشر شد، نظام حاکم بر ایران به عنوان «ناقص آزادی اطلاع‌رسانی»

معرفی شد. همواره از تاثیرات مخرب پارازیت‌های ماهواره‌ای در ایران سخن به میان آمده است. این تاثیرات هم به صورت جسمی قابل مشاهده است و هم تاثیراتی به صورت روانی بر روی شهروندان ایران می‌گذارد. بر اساس گزارش‌ها، مشکلات جسمی ناشی از ارسال پارازیت شامل تاثیر آن بر ناشنوایی و اختلالات پوستی است که هر کدام از این موارد می‌تواند به صورت مزمن به سلامت افراد آسیب وارد کند. سقط جنین به صورت غیرعمدی و بارداری خارج از رحم نیز از موارد مخرب دیگری است که بر اثر ارسال پارازیت رخ می‌دهد و بر اساس آمار این موارد در سال‌های اخیر با افزایش روبه‌رو بوده است. اگرچه پارازیت‌ها سلامت شهروندان را به شکل روزانه مورد تهدید قرار داده، اما این تنها تاثیر پارازیت‌ها نیست. به گفته‌ی رییس سازمان هواشناسی «رادار هواشناسی پایتخت احتمالاً به دلیل امواج پارازیت دارای نویز است و این موضوع یک‌سوم تصاویر هواشناسی این شهر را نامفهوم کرده است.» پارازیت‌اندازی در ایران برای جلوگیری از دسترسی مخاطبان داخل ایران به برنامه‌های تلویزیون‌های ماهواره‌ای، به خصوص تلویزیون‌های فارسی زبان مستقر در خارج از مرزها صورت می‌گیرد.

در پی اعتراض‌های نهادهای حقوق بشری و فشارهای بین‌المللی، در روز ۱۰ مهرماه سال گذشته خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - به نقل از سعید متصدی، معاون محیط زیست انسانی سازمان محیط زیست جمهوری اسلامی، گزارش کرد که کمیته ویژه‌ای برای بررسی تاثیر پارازیت بر سلامت انسان تشکیل شده است زیرا بحث سرطان‌زا بودن پارازیت‌ها بارها مورد بررسی قرار گرفته و احتمال بروز این بیماری به علت تاثیر پارازیت‌ها در انسان وجود دارد. این کمیته را نماینده‌ی وزیر بهداشت، معاون رییس سازمان حفاظت از محیط زیست و معاون سازمان انرژی اتمی همراهی می‌کنند.

پیگیری‌های علی‌اکبر موسوی خویینی، نایب رییس کمیته مخابرات مجلس ششم و کارشناس فن‌آوری اطلاعات در آن دوره، منجر به افشای نقش سپاه پاسداران در ارسال پارازیت‌های ماهواره‌ای شد.

وی در گفت‌وگویی با دویچه‌وله در خصوص ارسال پارازیت‌ها در ایران ابراز داشته است: «کمیته‌ای توسط دولت

روحانی در دولت مشخص شده است. وزارت مخابرات و ارتباطات، سازمان محیط زیست، وزارت بهداشت و انرژی اتمی همگی موظف شده‌اند که این موضوع را دنبال و ردیابی و جایش را پیدا کنند، مشخصات‌اش را اندازه بگیرند و به رییس‌جمهور گزارش بدهند. این هیات کارش را انجام داده و گزارش آن هم برای رییس‌جمهور رفته. الان در یک مرحله تصمیم‌سازی است. جای این تصمیم البته من فکر می‌کنم در شورای عالی امنیت ملی است.»

علی اکبر موسوی خویینی از نقش سازمان بهداشت جهانی در زمینه‌ی ارسال پارازیت‌ها می‌گوید و عنوان می‌کند: «این سازمان می‌تواند دولت‌ها را وادار کند و از آن‌ها بخواهد بیانیه‌هایی صادر کنند. نهایتاً این کشورها هستند که باید پارازیت را متوقف کنند. سازمان بهداشت جهانی استانداردهایی را برای پارازیت تعیین کرده که دولت‌ها موظف به رعایت آن هستند، اما عدم رعایت آن می‌تواند باعث شرم و خجالت آن کشور در سازمان ملل باشد و احیاناً در امتیازگیری‌ها به ضرر کشور یا دولت خاطی تمام می‌شود».

اما زمانی که بحث سانسور اطلاعات و رهگیری مخالفان در ایران به میان می‌آید، می‌توان از دورانی نام برد که مسوولیت طراحی و پیاده‌سازی تجهیزات شنود و رهگیری تلفن‌های همراه توسط شرکت نوکیا، زیمنس و اریکسون در ایران اجرا می‌شد. در جریان براندازی دیکتاتورها در جهان عرب که از آن با نام بهار عرب یاد می‌شود نیز مشخص شد که در مصر، دولت حسنی مبارک با همکاری یک کمپانی انگلیسی مکالمات رمزگذاری شده اسکایپ فعالان دموکراسی‌خواه را کنترل و شنود می‌کرد و در لیبی نیز نیروهای دولتی با همکاری یک کمپانی فرانسوی به تجسس در ایمیل‌ها و سرویس‌های چت آنلاین می‌پرداختند.

روزنامه وال‌استریت ژورنال در خصوص ارایه چنین زیرساخت‌هایی به کشوری مانند ایران در سال ۲۰۱۱ نوشت «بر خلاف لیبی و مصر که حاکمان‌اش در نتیجه‌ی خیزش مردمی برافتاده‌اند، شبکه‌ی پیچیده و چندلایه‌ی جاسوسی علیه مخالفان و فعالان مدنی در ایران هم‌چنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.»

بر اساس گزارش وال استریت ژورنال؛ پس از نوکیا و زیمنس، پای کمپانی چینی هواوی، شرکت سوئدی اریکسون، یک شرکت بریتانیایی و یک کمپانی ایرلندی نیز به جریان سرکوب مخالفان حکومت ایران در رویدادهای پس از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ ایران کشیده شد.

اما درست چند روز پس از انتشار این گزارش در روزنامه‌ی وال‌استریت ژورنال و واکنش‌های فعالان ایرانی در داخل ایران و در سطح بین‌المللی، خبرگزاری بلومبرگ نیز از همکاری شرکت اریکسون با سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران پرده برداشت. بلومبرگ از دو شرکت بریتانیایی و ایرلندی دیگر نیز نام برد.

از آن‌جایی که فروش این تجهیزات به دولت ایران به معنی حمایت از حکومتی سرکوب‌گر است، شیرین عبادی، حقوق‌دان و برنده‌ی صلح نوبل، هنگام سخنرانی در میان ایرانیان و سوئدی‌های حاضر در دانشگاه استکهلم، کمپانی سوئدی اریکسون را به فروش «تجهیزات و نرم‌افزارهای پیشرفته» جهت کنترل اس‌ام‌اس و مکالمات تلفن همراه به ایران متهم کرد.

عیسی سحرخیز، مدیر کل مطبوعات وزارت فرهنگ و ارشاد در دولت محمد خاتمی، از طریق شنود و ردیابی تلفن همراه خود، توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. وی نیز با کمک وکلای خود از شرکت نوکیا زیمنس برای فروش تجهیزات شنود و ردیابی تلفن‌همراه شکایت کرده و دادخواست خود را در ایالت مریلند به دادگاه فدرال آمریکا تحویل داد.

در یکی از گزارش‌های سازمان گزارشگران بدون مرز در خصوص اینترنت و سرکوب مردم در ایران آمده است: «در مهرماه ۱۳۸۹ یکی از برنامه‌های سیمای دولت ایران، فیس‌بوک و توئیتر را «دشمنان پنهان مردم»، «شبکه جاسوسی در خدمت سرویس‌های اطلاعاتی غربی» و «ابزاری برای استخدام جاسوس» معرفی کرد که در «جنگ نرم» و جنگ روانی علیه ایران دخالت دارند. منابع مختلف استخدام

هکرهای بین‌المللی از سوی رژیم جمهوری اسلامی را برای ارتش سایبری تایید کرده‌اند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای دفاع آنلاین از حاکمیت طرح سازماندهی ۱۰ هزار وبلاگ‌نویس بسیجی را اعلام کرده بود. در همین رابطه سایت‌ها و وبلاگ‌های بسیاری برای انتشار تبلیغات حکومتی و نفوذ در شبکه‌های اجتماعی راه اندازی شده است. این وبلاگ‌ها و سایت‌ها علاوه بر ابزار تبلیغاتی دولتی به کین‌پراکنی و خشونت دعوت می‌کنند».

در دی ماه ۱۳۸۹ مقامات رسمی، نخستین پلیس سایبری را برای کنترل اینترنت راه اندازی کردند و در این زمینه از تجهیزاتی که از طریق شرکت‌های یاد شده به دست آوردند، توانستند بسیاری از فعالان اینترنتی را ردیابی و بازداشت کنند. به همین صورت مسوولیت دستگیری صدها شهروند وب‌نگار بر عهده‌ی آن‌ها است. در حقیقت با تاسیس این پلیس، گامی دیگر در انسجام سیاست سرکوب در ایران برداشته شد.

سازمان گزارشگران بدون مرز در گزارش خود به مناسبت روز جهانی مبارزه با سانسور در اینترنت؛ شورای عالی فضای مجازی، سپاه پاسداران و کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را سه نهاد اصلی «کارگزار سیاست سرکوب اینترنت» در ایران معرفی کرد.

سازمان گزارشگران بدون مرز تاکید کرد: «این نهادهای پنهانی که در قلب دولت‌ها جای دارند، مسوولیت سرکوب آنلاین و کارگزاری فناوری در جهت اعمال سانسور در اینترنت و «نقض آزادی اطلاع رسانی» را برعهده دارند».

هیلاری کلینتون وزیر خارجه پیشین آمریکا، در زمانی که مردم در پی اعتراض به نتیجه‌ی انتخابات در سال ۸۸ به خیابان‌ها می‌آمدند و بسیاری از فعالان سایبری بازداشت شدند، آزادی اینترنت را «شالوده نمادین عصر حاضر و «مفهوم ارتباط مدرن» نامید و به دولت‌هایی که مخالف آزادی اینترنت هستند، هشدار داد. وی گفت: «برخی کشورها موانع و مرزهای الکترونیکی برپا کرده‌اند تا شهروندان خود را از دسترسی به بخش‌هایی از شبکه‌های جهانی محروم می‌کند. آنان کلمات، نام‌ها و عبارات را از موتورهای جستجوگر پاک کرده، به حریم خصوصی شهروندانی که دیدگاه‌های سیاسی خود را به شیوه‌هایی عاری

دولت ایران از راه‌های مختلفی برای محدود کردن دسترسی شهروندان به اینترنت و اطلاعات آزاد استفاده می‌کند. یکی از این راه‌ها؛ ارسال پارازیت بر روی شبکه‌های ماهواره‌ای و رادیویی است. راه دیگر سانسور اطلاعات و به صورت کلی رهگیری مخالفان در داخل مرزهای ایران است که البته این اتفاق در سال‌های اخیر با کمک کشورهای دیگر به دولت ایران؛ صورت گرفته است.

از خشونت بیان می‌کنند، تجاوز کرده‌اند. ایران ثابت کرده که چنین کشوری است». این اقدامات دولت در ایران، به روشنی ناقض اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در آن تاکید شده است که همه‌ی مردم حق دارند اطلاعات و عقاید خود را از طریق هر رسانه‌ای و بی‌توجه به مرزها، منتشر و بازتاب آن‌را دریافت و در معرض نقد دیگران قرار دهند.

در سال ۱۳۹۰ نیز هیلاری کلینتون، در لاهه به شرکت‌های فروش محصولات و فن‌آوری‌های اینترنتی هشدار داد که از هرگونه ارایه خدمات و ابزار سرکوب‌گری به دولت‌های خودکامه خاورمیانه و دولت‌های غیردموکراتیکی که دست به سرکوب مردم خود می‌زنند، خودداری کنند.

وی از شرکت‌های خصوصی فروش فن‌آوری اینترنتی درخواست کرد نقش خود در حمایت از آزادی اینترنت را برعهده گیرند و در حمایت از مردم عادی و نیز فعالان سیاسی

حضور فعال داشته باشند.

اما با وجود تمام واکنش‌های بین‌المللی و درخواست کشورهای مختلف طی این سال‌ها؛ دولت ایران هم‌چنان به بازداشت فعالان سایبری می‌پردازد و در این خصوص حتی افرادی که تنها به ارسال پیامک با موضوع رهبری پرداخته‌اند هم بازداشت شده‌اند.

۲۱ شهریور ۱۳۹۳ سردار سید کمال هادیان‌فر رییس پلیس فتا، در رابطه با پیام‌هایی «توهین آمیزی» که در فضاهای مجازی در مورد «آیت‌الله خمینی» منتشر شد، گفت: «باید بدانید که پیام‌های خصوصی در وایبر، واتس‌آپ و … توسط پلیس فتا قابل کنترل است».

واتس‌آپ، وایبر و تانگو، نرم‌افزارهایی برای مکالمه و یا ارسال پیامک از طریق شبکه اینترنت هستند. پیام‌های بر روی واتس‌آپ، وایبر و تانگو نیز چون دیگر داده‌ها به هنگام انتقال بر روی اینترنت در معرض خطر مسدود شدن، رصد و دستیابی و کنترل، هستند.

مهر ماه سال گذشته، ابراهیم رییسی دادستان کل کشور «شناسایی و دستگیری» عاملان انتشار پیام‌های طنزآمیز درباره آیت‌الله خمینی را تأیید کرد.

از آغاز دوره ریاست جمهوری حسن روحانی، چگونگی کنترل اینترنت در ایران به مساله‌ای جدی در حکومت تبدیل شده است. دولت حسن روحانی طرح اینترنت ملی را رها نکرده، اما به هنوز در این خصوص به نتیجه‌ی قطعی نرسیده است. این روزها اگر چه از تب و تاب کمک‌رسانی شرکت‌های بزرگ مخابراتی به ایران کاسته شده است، اما مردم در داخل ایران با فیلترینگ شدید روبه‌رو هستند و سرعت پایین اینترنت به مردم اجازه‌ی دسترسی آسان به اینترنت را نمی‌دهد. هم‌چنین افراد بی‌شماری با اتهام فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک و توئیتر بازداشت شده‌اند و برخی از آن‌ها با حکم اعدام روبه‌رو هستند و برخی دیگر با حبس‌های طولانی مدت در زندان‌های مختلف ایران، روزگار می‌گذرانند. خطر پارازیت‌ها نیز هم‌چنان گریبان‌گیر شهروندان است و مردم از آسیب‌های آن در امان نیستند.

کشورهای خاورمیانه؛ بزرگ‌ترین دشمنان اینترنت

گزارشی که «خانه آزادی» آمریکا در سال ۲۰۱۳ با مطالعه شرایط شصت کشور تهیه کرده بود، نشان داد که منطقه خاورمیانه، بدترین منطقه جهان از نظر آزادی‌های اینترنتی است. بر اساس این گزارش؛ ایران، عربستان، سوریه، بحرین، امارات و سودان از جمله کشورهای خاورمیانه هستند که در آنها به هیچ وجه آزادی اینترنت وجود ندارد.



علی همدی

بعدها ظهر جمعه نهم ژانویه ۲۰۱۵ مردم در برابر مسجد جفالی شهر جده مردی ۳۱ ساله و پدر سه فرزند را در برابرشان دیدند که بعد از بسته شدن به چوبی در وسط میدان، پنجاه ضربه شلاق خورد و به زندان بازگردانده شد. هر چند نیروهای امنیتی عربستان تمام تلاش خود را انجام دادند تا فیلمی از این ماجرا تهیه و منتشر نشود، اما در نهایت تصویری از آن در اینترنت پخش شد.

رائف بدوی فعال حقوق بشر و موسس سایت «لیبرال‌های سعودی» از معروف‌ترین چهره‌هایی است که به خاطر فعالیت‌هایش در اینترنت توسط دستگاه قضایی عربستان محکوم شده است. بدوی به خاطر توهین به اسلام به هزار ضربه شلاق، ده سال زندان و حدود ۲۵۰ هزار جریمه نقدی محکوم شده و قرار بود حکم شلاقش در بیست جمعه متوالی اجرا شود؛ اما بالا گرفتن اعتراض‌های جهانی بعد از نوبت اول باعث توقف دفعات بعدی شد.

از سال ۱۹۹۷ که اینترنت به خاورمیانه رسید، کشورهای مختلف این منطقه تلاش کردند تا محدودیت‌هایی که پیش از این در مورد رسانه‌های دیداری و شنیداری اعمال می‌کردند را به

این فضای جدید نیز منتقل کنند؛ به طوری که کشورهای خاورمیانه هر ساله در گزارش‌های مختلف مربوط به آزادی‌های اینترنتی جزو بدترین کشورهای جهان رده‌بندی می‌شوند.

گزارشی که «خانه آزادی» آمریکا در سال ۲۰۱۳ با مطالعه شرایط شصت کشور تهیه کرده بود، نشان داد که منطقه خاورمیانه، بدترین منطقه جهان از نظر آزادی‌های اینترنتی است. بر اساس این گزارش؛ ایران، عربستان، سوریه، بحرین، امارات و سودان از جمله کشورهای خاورمیانه هستند که در آنها به هیچ وجه آزادی اینترنت وجود ندارد. دیگر کشورها مانند اردن، لبنان، مصر، تونس، مغرب و لیبی نیز وضعیتی بهتر نداشته و بر اساس گزارش خانه آزادی، از آزادی جزیی برخوردار هستند.

در شرایطی که استفاده از اینترنت در خاورمیانه رو به گسترش است، دولت‌ها نیز با روش‌های مختلف سعی در تعریف جرم، محدودسازی، اعمال سانسور و دستگیری و مجازات فعالان اینترنتی دارند. اینترنت ظرف سال‌های اخیر منبع تحولات بسیار عمیقی در خاورمیانه بوده که بهار عربی از جمله مهم‌ترین این تحولات است.

سه برابری است. در شش سال گذشته همچنین تعداد کاربران فیس‌بوک در کشورهای عربی از ۱۲ میلیون نفر به ۷۸ میلیون رسیده است، به طوری که تقریباً از هر دو نفری که در کشورهای عربی به اینترنت دسترسی دارند، یک نفر در فیس‌بوک حضور دارد.

دامنه تغییرات ناشی از گستردگی اینترنت و در نتیجه انقلاب‌های عربی باعث شد تا به عنوان مثال کشوری مثل تونس که در زمان زین‌العابدین بن‌علی رقیب عربستان برای کسب عنوان دشمن‌ترین حکومت با اینترنت بود، اکنون در زمره کشورهایی با بیشترین میزان آزادی اینترنتی است.

• اردن

اردن با جمعیتی هفت میلیون نفری، ۵،۷ میلیون نفر کاربر اینترنت دارد تا بدین ترتیب در زمره کشورهایی رده‌بندی شود که بیشترین استفاده از اینترنت را در مقایسه با جمعیت خود دارند. روزنامه‌ها و به شکل کلی رسانه‌های اینترنتی پدیده‌ای قابل مطالعه در اردن محسوب می‌شود. در حالی که نظارت و سانسور قابل توجهی از سوی حکومت بر رسانه‌های چاپی اعمال می‌شود، نزدیک به چهارصد سایت خبری اردنی وجود دارند که از بین آنها، دویست سایت با مجوز رسمی فعالیت کرده و درآمدزایی دارند. عمده این خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری به محل فعالیت روزنامه‌نگاران و فعالانی تبدیل شده که در سایه محدودیت‌های اعمال شده بر رسانه‌های رسمی، در آنها مشغول به کار هستند.

علی‌رغم این گستردگی در کاربری اینترنت، دولت اردن دست به اقداماتی در فضای اینترنت می‌زند که پیش از این سابقه نداشته است. در سال ۲۰۱۴ با تصویب قانون مبارزه با تروریسم در اردن، دستگاه قضایی و دولت فشار بیشتری بر فضای اینترنت می‌آورند و در موارد زیادی یا صاحب رسانه را مجبور به طی مراحل اداری و اخذ مجوز کرده یا به کلی این سایت‌ها را فیلتر کرده‌اند. دولت در سال ۲۰۱۴ نزدیک به سیصد سایت خبری اینترنتی را به علت مجوز نداشتن فیلتر کرد. در همین سال، ۹ سایت خبری دیگر نیز طبق قانون مبارزه با تروریسم فیلتر شدند.

زکی بنی‌ارشید از معروف‌ترین اردنی‌هایی است که به خاطر فعالیت در اینترنت زندانی شده. بنی‌ارشید به خاطر نوشتن چند مقاله انتقادآمیز در سایت‌های اینترنتی و همچنین انتشار مطالب انتقادآمیز نسبت به امارات در فیس‌بوک در حالی دستگیر شد که برای شرکت در کنفرانسی عازم زوریخ بود. وی از فرودگاه به زندان منتقل شده و به اتهام «تلاش برای بر هم زدن روابط با دولت دوست» به یک سال و نیم زندان محکوم شد.

• بحرین

این کشور کوچک حاشیه خلیج فارس از بزرگ‌ترین دشمنان آزادی بیان و اینترنت نه تنها در منطقه، بلکه در سطح جهان محسوب می‌شود. علی‌رغم این که دولت بحرین به کمک نیروهای نظامی عربستان مستقر در این کشور به شدت با هرگونه اظهارنظر سیاسی مخالف، مقابله می‌کند؛ اما استفاده از اینترنت در بحرین رو به گسترش است.

در سال ۲۰۱۱ نزدیک به ششصد هزار نفر از یک و نیم میلیون جمعیت بحرین از اینترنت استفاده می‌کردند ولی این رقم در سال ۲۰۱۵ به ۱،۲ میلیون نفر رسیده است. ۶۵۰ هزار نفر بحرینی عضو فیس‌بوک هستند و ۳۲۰ هزار نفر نیز از توئیتر

استفاده می‌کنند.

دولت بحرین از سال ۲۰۰۹ در پی کنترل جدی اینترنت برآمد. علاوه بر فیلتر کردن سایت‌های بی‌شمار، در سال ۲۰۱۴ قانونی با ۲۴ ماده موسوم به قانون ۶۰ وضع شد که بر اساس آن برخوردهای سفت و سختی با مخالفان دولت به عمل آمد. در تابستان ۲۰۱۳ دولت بحرین هفتاد سایت اینترنتی از جمله پایگاه خبری المنار ارگان رسانه‌ای حزب‌الله لبنان را فیلتر کرد. اتهامی که به اکثر این سایت‌ها وارد شده بود، تلاش برای بر هم زدن امنیت عمومی و گسترش تروریسم از طریق تبلیغات طائفه‌ای و مذهبی عنوان شده بود.

فیصل الشوفه و نبیل رجب از معروف‌ترین متهمان فعالیت اینترنتی در بحرین هستند. الشوفه دانش‌آموز دبیرستانی در ژوئن ۲۰۱۳ به اتهام توهین به پادشاه در یک توئییت دستگیر و به چهل روز زندان محکوم شد.

نبیل رجب فعال حقوق بشر و از رهبران اعتراض مردمی به دولت بحرین در ژانویه ۲۰۱۵ بعد از انتشار توئییتی انتقادآمیز به نیروهای نظامی بحرین دستگیر و به شش ماه زندان محکوم شد.

• کویت

تا سال ۲۰۰۹ کویت بهترین کشور عربی در زمینه آزادی بیان بود؛ ولی بعد از این سال با وضع قوانین سخت‌گیرانه و اعمال فشار بر مخالفین، کویت به سرعت در زمینه آزادی بیان سقوط کرد تنها در سال ۲۰۰۴ بیش از ۲۵۰ پرونده به خاطر اظهار نظر در توئیتر به جریان افتاد. در همین سال ۱۶۰ نفر هم به اتهام توهین به امیر کویت محاکمه شدند که اکثر آنها در فیس‌بوک و توئیتر اظهارنظر کرده بودند.

از سال ۲۰۱۲ تعداد کاربران اینترنت در کویت با ۳،۸ میلیون نفر جمعیت، از ۱،۷ میلیون به سه میلیون نفر افزایش یافته است.

کویت در عین حال از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان از نظر ارائه خدمات دولتی به شکل اینترنتی به شهروندانش است. هر شهروند کویتی با شماره خاص خود می‌تواند تمام نیازهای اداری و شهروندی نیز خود را بدون مراجعه به ادارات از طریق اینترنت انجام دهد. با این حال، فشار دولت بر مردم و پیگرد آنها به خاطر اظهارنظرهای اینترنتی باعث اقبال عمومی مردم به فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام در این کشور شده است. یوسف حبیب رییس مرکز مبارزه با جرایم الکترونی وزارت کشور کویت اخیراً گفته «خطر بعدی که کشور را تهدید می‌کند، توئیتر است».

بر اساس قانون کویت، هرگونه توهین به امیر، دولت‌مردان، قضات، روحانیون، ارتش و دستگاه امنیتی و همچنین هرگونه اظهارنظری که شائبه تحریک سنی - شیعه داشته باشد، جرم تلقی می‌شود. از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ بیش از ۲۰۲۹ پرونده برای فعالین اینترنتی تشکیل شد که حدود سیصد پرونده صرفاً به فعالیت توئیتری مربوط بود.

• قطر

از ۲،۳ میلیون نفر جمعیتی که در قطر زندگی می‌کنند، تنها ۱۲ درصد بومی هستند و ۸۸ درصد باقی را شهروندان دیگر نقاط جهان تشکیل می‌دهند که برای کار یا مسایل دیگری ساکن قطر شده‌اند. بر اساس آخرین آمار که دولت قطر اعلام کرده، ۱،۹ میلیون نفر در این کشور از اینترنت استفاده می‌کنند. ۸۵ درصد مردم قطر در منازل خود رایانه شخصی

داشته و ۶۹ درصد هم تلیت دارند. همچنین ۸۵ درصد مردم از اینترنت پرسرعت (بیشتر از یک مگابایت در ثانیه) برخوردار هستند.

در سال ۲۰۱۴ قطر قانون مبارزه با جرایم سایبری را تصویب کرد. علی‌رغم اعلام دولت قطر مبنی بر این‌که هدف از تصویب قانون مزبور، حمایت از کشور بوده، اما فعالان اینترنتی و سازمان‌های حقوق بشری اعتراض‌هایی را علیه آن ترتیب دادند. بر اساس قانون مزبور، دولت قطر می‌تواند هر سایتی را که مخل امنیت کشور تشخیص داد را مسدود کرده و تمامی ارتباطات اینترنتی در کشور را کنترل کند. گزارش شفافیت توییت‌ر نیز نشان می‌دهد که دولت قطر از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ خواستار دریافت اطلاعات شخصی ۲۶ نفر از کاربران توییت‌ر در این کشور شده که تمامی این درخواست‌ها رد شده است.

علی‌رغم کنترل دولت بر اینترنت و پیگرد فعالین اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی محبوبیت زیادی در قطر دارند. مطابق آخرین آمار منتشر شده، ۸۷ درصد کاربران اینترنت در قطر، عضو شبکه‌های اجتماعی هستند. فیس‌بوک و واتس‌آپ با ۱،۴ میلیون کاربر، بیشترین استفاده را میان قطری‌ها دارند.

محمد الذیاب شاعر قطری از معروف‌ترین زندانیان این کشور در پرونده‌های اینترنتی است. الذیاب در سال ۲۰۱۱ قصیده‌ای را در اینترنت منتشر کرد و در آن ضمن حمایت از انقلاب تونس، رهبران کشورهای عربی را دزد خوانده و آرزو کرد که بهار عربی به قطر برسد. الذیاب در نوامبر ۲۰۱۲ به حبس ابد محکوم شد ولی یک سال بعد دادگاه تجدیدنظر حکم او را به پانزده سال زندان کاهش داد.

• لبنان

لبنان از جمله کشورهای منطقه است که در قیاس با دیگر همسایگانش از آزادی اینترنتی بیشتری برخوردار است. با این

حال به خاطر مشکلات سیاسی متعدد و اختلافات عمیقی که در لبنان وجود دارد، دولت اهمال قابل توجهی در ارائه خدمات اینترنتی دارد. لبنان از جمله بدترین کشورهای جهان از نظر سرعت اینترنت است. در گزارش «آکامی» که در سال ۲۰۱۴ صادر شده و وضعیت اینترنت در ۱۸۵ کشور جهان را بررسی کرده، لبنان از نظر سرعت اینترنت در رتبه ۱۷۳ قرار گرفت.

در لبنان قانون مشخصی تحت عنوان جرایم سایبری وجود ندارد. به تازگی و علی‌رغم مخالفت فعالان مدنی، دفتری دولتی تحت عنوان «مبارزه با جرایم سایبری» در لبنان تأسیس شده که افراد را به خاطر فعالیت‌ها یا اظهارنظرهای‌شان احضار کرده و برای ساعت‌های زیادی بازجویی می‌کند.

مهند الحاج علی روزنامه‌نگار و

موسس سایت خبری «ناو» از جمله کسانی است که توسط دفتر مبارزه با جرایم سایبری احضار و پنج ساعت بازجویی شده است. الحاج علی به خاطر انتشار مقاله‌ای در سایت خود، به «برانگیختن احساسات طایفه‌ای» و «تهمت» متهم شده و توسط دفتر مذکور به دادسرای قضایی تحویل داده شد. از دیگر مشکلات اینترنت در لبنان عدم امنیت آن است. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات اینترنتی در لبنان متهم هستند که اطلاعات مشتریان خود را به دستگاه‌های امنیتی و طرف سوم می‌دهند. علاوه بر این، در سال ۲۰۱۴ دولت لبنان در اقدامی جدل‌برانگیز، اعلام کرد که اطلاعات تمامی مشترکان تلفن همراه در لبنان را در اختیار دستگاه امنیتی قرار داده است.

فیس‌بوک با ۲،۲ میلیون مشترک در لبنان، محبوب‌ترین شبکه اجتماعی است که «کریم حوا» معروف‌ترین قربانی آن نیز در لبنان محسوب می‌شود. کریم حوا دانشجوی ۲۲ ساله رشته روزنامه‌نگاری به خاطر هم‌خوان کردن یک مقاله در فیس‌بوک در مورد طرح امنیت مرزی لبنان توسط دفتر مبارزه با جرایم سایبری احضار و پس از پنج روز بازداشت به دادگاه تحویل داده شد تا سرانجام با قید وثیقه آزاد شود.

• تونس

طبق آخرین آماري که دولت تونس ارائه کرده، این کشور با یازده میلیون نفر جمعیت حدود شش میلیون کاربر اینترنت دارد که چهل درصد آنها از زنان هستند. فیس‌بوک با ۴،۴ میلیون مشترک، مهم‌ترین شبکه اجتماعی مورد استفاده مردم تونس است به طوری که هشتاد درصد کاربران اینترنت در فیس‌بوک نیز عضویت دارند.

تونس همچنین کشوری است که بهار عربی از آن شروع شده و به دیگر کشورهای عربی مثل مصر، لیبی، بحرین، سوریه و یمن نیز سرایت کرد. در این انقلاب‌ها، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نقشی اساسی در بسیج افکار عمومی و سازمان‌دهی اعتراضات داشت.

علی‌رغم اینکه تونس تا حد زیادی نسبت به دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا آزادی اینترنتی بیشتری را شاهد است، اما دولت این کشور با تصویب قوانینی در صدد اعمال محدودیت و کنترل کاربران است. در نوامبر ۲۰۱۳ قانونی به تصویب رسید که بر اساس آن «اژانس ارتباطات فنی» تأسیس شد که وظیفه آن کمک به دستگاه قضایی برای مقابله با جرایم مربوط به ارتباطات بود. بعد از تأسیس این اژانس، طرح «مبارزه با جرایم اینترنتی» در تونس به تصویب رسید که این امر باعث اعتراض گسترده فعالان اینترنتی در این کشور شد.

نخستین قربانی سیاسی اینترنت در جهان عرب نیز در تونس جان خود را از دست داد. زهیر یحیای



محمد الذیاب شاعر قطری از معروف ترین زندانیان این کشور در پرونده‌های اینترنتی است. الذیاب در سال ۲۰۱۱ قصیده‌ای را در اینترنت منتشر کرد و در آن ضمن حمایت از انقلاب تونس، رهبران کشورهای عربی را دزد خوانده و آرزو کرد که بهار عربی به قطر برسد. الذیاب در نوامبر ۲۰۱۲ به حبس ابد محکوم شد ولی یک سال بعد دادگاه تجدیدنظر حکم او را به پانزده سال زندان کاهش داد.

فعال اینترنتی در سال ۲۰۰۵ و در زمان ریاست جمهوری زین‌العابدین بن‌علی، نظرسنجی طنزآمیزی در وب‌سایت خود مطرح کرد با این سوال که «به نظر شما تونس جمهوری است یا پادشاهی یا زندان یا باغ وحش؟». پس از این نظرسنجی، یحیای دستگیر و به دو سال زندان محکوم شد، اما چندی بعد در زندان و در شرایطی مشکوک درگذشت. یاسین العیاری از معروف‌ترین فعالین اینترنتی در تونس است که به خاطر فعالیت خود به زندان افتاده و با محرومیت‌های مختلفی مواجه شده است. العیاری که یکی از مدافعان آزادی اینترنت در تونس به شمار رفته و از منتقدان بن‌علی بود در زمان ریاست‌جمهوری وی از تونس خارج شد و بعد از انقلاب به کشورش بازگشت. بعد از بازگشت به تونس، العیاری به اتهام انتقاد از مسوولین نظامی به سه سال زندان محکوم شد که این حکم نهایتاً در مارس ۲۰۱۵ به شش ماه حبس کاهش پیدا کرد. وی همچنین به خاطر پرونده‌ای که از زمان ریاست جمهوری بن‌علی علیه وی تشکیل شده بود، ممنوع‌الخروج شده است.

• مصر

مصر از جمله کشورهای منطقه است که بیشترین تأثیر را از اینترنت گرفته است. انقلاب مصر که منجر به سقوط حکومت حسنی مبارک شد، یک انقلاب اینترنتی نام گرفته است. با این حال از زمان روی کار آمدن دولت عبدالفتاح السیسی، فشارهای فراوانی بر فعالین اینترنتی اعمال می‌شود. بر اساس آماري که وزارت کشور مصر در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، ۵۷ درصد از جمعیت ۸۶ میلیون نفری مصر کاربر اینترنت هستند و این رقم هر سال ۷،۹ درصد رشد پیدا می‌کند. ۲۴ میلیون نفر از مصری‌ها عضو فیس‌بوک و ۴ میلیون نفر عضو توییت‌ر هستند.

قانون اساسی جدید مصر که ابتدای سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید، آزادی بیان را به رسمیت شناخته ولی موادی قانونی وجود دارند که به گفته فعالان حقوق بشر مصری تفسیرپذیر هستند و عمل به آنها می‌تواند منجر به کنترل کامل دولت و دستگاه‌های امنیتی بر فضای اینترنت در کشور شود.

بر اساس ماده ۳۱ قانون اساسی، «امنیت سایبری بخشی از امنیت ملی است و دولت باید با اتخاذ تدابیر لازم، امنیت آن را حفظ کند».

روزنامه الوطن مصر در ماه ژوئن ۲۰۱۴ فاش کرد که وزارت کشور برای کنترل اینترنت و به شکل خاص فیس‌بوک، توییت‌ر، وایبر و واتس‌آپ از شرکت‌های توزیع‌کننده اینترنت خواسته تا امکان کنترل محتویات را به دستگاه امنیتی بدهد. دولت مصر با اعمال فشار بر فعالین اینترنتی، فضای سایبری این کشور را به شرایط پیش از انقلاب بازگردانده و افراد زیادی را به اتهاماتی مثل «تحریک برای ایجاد ناامنی»، «توهین به ارتش و مقامات» و «فعالیت به سود اخوان المسلمین» بازداشت کرده است.

پرونده محمد الملیجی یکی از صدها پرونده‌ای است که علیه کاربران عادی اینترنت به جریان افتاده است. الملیجی به اتهام توهین به شخصیت‌های کشور در پست‌های فیس‌بوکی در ابتدای سال جاری میلادی بازداشت شده و با گذشت پنج ماه هنوز هم در زندان به سر می‌برد.

• عربستان

عربستان یکی از متناقض‌ترین کشورهای جهان در زمینه عدم تناسب میان امکانات و قوانین است. در شرایطی که حکومت

عربستان سعی دارد جدیدترین فن‌آوری‌ها را وارد کشور کند، قوانین بسیار محکمی نیز در زمینه کنترل و اعمال محدودیت بر جامعه وضع کرده است. در زمینه اینترنت، دولت عربستان امکان استفاده از اینترنت پر سرعت را برای مشترکان فراهم کرده ولی فیلترینگ بیش از چهل هزار سایت و پیگرد فعالان اینترنتی به خوبی بیانگر این تناقض است.

بر اساس آماري که موسسه «وای تو دی» در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، از ۳۱ میلیون نفر جمعیت این عربستان، نزدیک به بیست میلیون نفر کاربر اینترنت هستند که از بین آنها ۸ میلیون نفر عضو فیس‌بوک هستند. عربستان با ۷ میلیون عضو توییت‌ر، بالاترین میزان عضویت توییت‌ر در جهان را دارد به طوری که ۴۷ درصد کاربران اینترنت در این کشور عضو توییت‌ر هستند.

کاربران اینترنت در عربستان بیش از هر چیز از یوتیوب استفاده می‌کنند. الفونسو دی‌جیتانو رییس اجرایی گوگل در کشورهای عربی خلیج فارس سال گذشته اعلام کرد که عربستان سومین کشور جهان پس از آمریکا و برزیل در مشاهده یوتیوب است. کاربران عربستانی روزی ۹۰ میلیون بار به یوتیوب مراجعه می‌کنند.

ماه مارس ۲۰۰۷ حکومت عربستان قانونی را تحت عنوان «مبارزه با جرایم سایبری» به تصویب رساند که بر اساس آن هر وبلاگ‌نویسی باید وبلاگ خود را در وزارت فرهنگ و اطلاع‌رسانی ثبت کرده و مجوز دریافت کند. در فوریه ۲۰۱۴ با تصویب قانون جدید مبارزه با تروریسم، عملاً هر گونه اظهارنظر یا انتقادی در اینترنت جرم تلقی می‌شود. در ماده اول این قانون جدید در مورد تعریف تروریسم آمده است: «هر عملی که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم باعث اختلال در نظم عمومی، به خطر افتادن امنیت ملی، اقدام علیه دولت یا به خطر انداختن یکپارچگی و وحدت آن، تعطیل نظم عمومی و همچنین توهین به دولت و جایگاه آن شود».

پرونده رائف البدوی معروف‌ترین پرونده‌ای بود که در آن یک شهروند عربستان به خاطر اظهارنظر در شبکه‌های اجتماعی و راه‌اندازی سایت دستگیر شد. البدوی در سال ۲۰۱۲ ابتدا به اتهام «عاق شدن توسط والدین» بازداشت شد، اما یک روز پس از دستگیری به اتهام مخالفت با نظام و تأسیس سایتی علیه حکومت به دادگاه فرستاده شد.

دادگاه در سال ۲۰۱۳ رائف البدوی را متهم به توهین به اسلام و انتقاد از کمیته امر به معروف و نهی از منکر کرده و به هفت سال زندان و ۶۰۰ ضربه شلاق محکوم کرد. در پی اعتراض دادستانی به رای صادر شده، یک سال بعد دادگاه تجدیدنظر این حکم را افزایش داده و البدوی به ده سال زندان و هزار ضربه شلاق محکوم شد.

هر چند که کشورهای منطقه خاورمیانه و در راس آنها عربستان و ایران از جمله بزرگ‌ترین دشمنان آزادی بیان هستند، اما اقداماتی نیز برعکس میل و خواسته‌ی حکومت‌ها در این کشورها صورت می‌گیرد. در ابتدای سال ۲۰۱۴ نشست نیمه دولتی در بیروت برگزار شد که در آن هیات‌های پنج کشور عربی سوریه، تونس، عراق، مصر و لبنان هم‌پیمانی را تحت عنوان «اتحاد منطقه‌ای - عربی برای آزادی اینترنت» اعلام کردند. این هیات‌ها متشکل از نمایندگان عرصه فن‌آوری اطلاعات، سازمان‌های غیر دولتی و جامعه مدنی بودند که هدف از تشکیل این اتحاد را گسترش بیش از پیش اینترنت در کشورهای عربی و رفع سانسور عنوان کردند.

سیاست‌های دوگانه‌ی جمهوری اسلامی در قبال اینترنت؛

سیاسیونی دنبال کننده‌ی خود



نمی‌دانم که دقیقا کجا هستیم، در نظر داشتیم که وقتی به تهران رسیدم برای تان مطلبی بنویسم اما متوجه شدم که در هواپیما می‌شود از اینترنت استفاده کرد...». کامنتی که در پاسخ به این پست فیس‌بوکی از سوی شهروندان منتشر شد اما بی‌ارتباط با سوال جک دورسی نیست: «دکتر! با تلفن همراهت در فیس‌بوک آنلاین شو، اگر فیلتر بود بدون که در تهران هستی».

پیش از حضور سیاسیون در شبکه‌های اجتماعی، اکبر هاشمی‌رفسنجانی به اهمیت آن پی برده بود: «ما می‌بینیم که یک صفحه فیس‌بوک بدون هیچ هزینه‌ای جایگزین چندین کانال تلویزیونی و رادیویی شده. می‌بینیم که مردم چطور با استفاده از گوشی‌های همراه خود اخبار را به دیگر نقاط جهان منتقل می‌کنند. من فکر می‌کنم این اتفاقی خوشایند برای همه‌ی جهان است».

در حال حاضر برخی از دولت‌مردان در شبکه‌های اجتماعی عضو هستند. اما حساب‌های کاربری رهبر جمهوری اسلامی

حقوق ما - استراتژی سرسختانه‌ی جمهوری اسلامی در قبال اینترنت و فضای مجازی در ایران باعث شده این کشور در رده‌بندی جهانی دسترسی آزادانه به محتوای اینترنت، میان ۱۷۹ کشور در جایگاه ۱۷۵ بایستد. در سال‌های اخیر اما در سیاست‌های جمهوری اسلامی در قبال اینترنت تغییراتی پیش آمد که فضای مجازی را در ایران به دوگانه‌ای بزرگ تبدیل کرد. از یکسو جرم رایانه‌ای تعریف می‌شود و صحبت از فیلترینگ شبکه‌های مجازی است و از طرف دیگر چه رهبر جمهوری اسلامی و چه دیگر سیاسیون در این شبکه‌ها حساب کاربری دارند. حساب‌هایی که دنبال کننده‌ی یکدیگرند.

یکی از تأثیرات شبکه‌های اجتماعی، بر توسعه‌های جنبش‌های مردمی است؛ مانند آن‌چه در خاورمیانه رقم خورده؛ اما برخی نیز معتقدند که این شبکه‌ها به ابزاری در دست حکومت‌ها برای کنترل بیشتر تبدیل شده است، به طوری که برخی از فضای مجازی به عنوان مکانی برای «جدال حکومت و مردم» یاد کرده‌اند.

در پی انتخابات سال ۸۸ که شبکه‌های اجتماعی - خصوصا فیس‌بوک و توئیتر - به ابزاری برای اطلاع‌رسانی تبدیل شد، جمهوری اسلامی از طریق همین ابزار توانست برخی از منتقدان خود را بازداشت کند. استراتژی که از فیلترینگ وبلاگ‌ها و سایت‌ها و سانسور آغاز شد و با بازداشت شهروندان و تعیین احکام سنگین‌مدت برای آن‌ها ادامه یافت. در دادگاه‌های نمایشی که برای معترضان به نتیجه‌ی انتخابات برگزار شده بود، حتی دادخواستی علیه فیس‌بوک خوانده شد.

از سال ۸۸ تاکنون سیاست جمهوری اسلامی در قبال شبکه‌های اجتماعی و اینترنت حاکی از نگاه امنیتی این حکومت به یکی دیگر از حقوق شهروندان است. نگاهی که باعث به وجود آمدن «خودسانسوری» در کنار سانسورهای حکومتی شده و این احساس را تقویت کرده است. با این وجود با روی کار آمدن حسن روحانی، اعضای کابینه به همراه رئیس‌جمهور به عضویت این شبکه‌ها درآمدند. دولت‌مردانی که با وجود فیلترینگ گزارش‌های کاری، گپ‌های شخصی و گاه عکس‌هایی از فعالیت‌های خود را منتشر می‌کنند، اما همچنان این شبکه‌ها در ایران فیلتر است.

این دوگانگی در سوال جک دورسی، مدیرعامل توئیتر از حساب کاربری حسن روحانی به چشم می‌خورد. سوالی که شاید برای بسیاری پیش آمده باشد: «عصر به خیر آقای رئیس‌جمهور؛ آیا شهروندان ایرانی می‌توانند توئیتهای شما را بخوانند؟». در چهارم اکتبر ۲۰۱۳ نیز محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه‌ی ایران هنگام بازگشت از سفری در صفحه‌ی فیس‌بوک خود نوشته بود: «ساعت هشت و نیم به وقت نیویورک و ۴ بعدازظهر به وقت ایران عزیز ماست.

نیز حضور فعالی در شبکه‌های اجتماعی دارد. ادمین این حساب‌ها نیز دفتر رسمی نهاد رهبری است. حساب کاربری آیت‌الله خامنه‌ای به سه زبان انگلیسی، فارسی و عربی بیشتر محتوای سیاسی و مذهبی به اشتراک می‌گذارد و گاه نیز مطالبی روان‌شناختی و اجتماعی. در ماه‌های اخیر با بهبود رابطه‌ی ایران و آمریکا، پست‌های بسیاری را می‌توان در صفحه‌ی او در این خصوص مشاهده کرد. اما محبوب‌ترین سیاست‌مدار ایرانی در فیس‌بوک را می‌توان محمدجواد ظریف دانست که گزارش‌های کاری، گپ‌های خودمانی یا عکس و تریک را برای ۹۳۱ هزار دنبال‌کننده‌ی خود به اشتراک می‌گذارد. معصومه ابتکار، رییس سازمان محیط زیست، شهین‌دخت مولاوردی معاون رئیس‌جمهور ایران در امور زنان و خانواده، حسن قاضی‌زاده هاشمی وزیر بهداشت از جمله فعالان اینترنتی و پرمخاطب کابینه‌ی دولت یازدهم هستند. به عنوان نمونه محمدجواد ظریف هنگام مذاکرات هسته‌ای که به تفاهم‌نامه منجر شد، در فیس‌بوک خود نوشت: «به لطف خدا و با حمایت و دعای شما راه‌حل‌ها را نهایی کردیم. نوشتن متن را ظرف هفته‌ی آینده شروع می‌کنیم». این نوشته نزدیک به ۵ هزار بار به اشتراک گذاشته شد و نزدیک به ۱۲۰ هزار نفر نیز آن را پسندیدند.

سیاست‌مداران جمهوری اسلامی در شبکه‌های فیلترشده‌ی توئیتر و اینستاگرام نیز حضور چشم‌گیری دارند. با وجود آن‌که هر کدام از آن‌ها دنبال‌کننده‌های بسیاری دارند، اما هیچ‌کدام غیر از حساب‌های کاربری خود و دیگر سیاسیون جمهوری اسلامی را دنبال نمی‌کنند. آیت‌الله خامنه‌ای در این شبکه از سوی ۲۲۰۱ هزار مخاطب فارسی و ۱۲۰ هزار مخاطب انگلیسی دنبال می‌شود.

حساب کاربری حسن روحانی در توئیتر ۳۳۶ هزار دنبال‌کننده دارد و او نیز آیت‌الله خامنه‌ای، محمدجواد ظریف، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، محمد خاتمی و حساب کاربری انگلیسی خود را دنبال می‌کند. محمدجواد ظریف را در توئیتر فارسی ۱۴۶ هزار نفر و در توئیتر انگلیسی ۲۶۳ هزار نفر می‌خوانند. او اما خلاف دیگر سیاست‌مدارها تعداد حساب‌هایی که پیگیری می‌کند، بیشتر است. ۱۵ نفر از جمله چند روزنامه‌نگار ایرانی و غیرایرانی و چند شخصیت سیاسی مانند نخست‌وزیر ترکیه را نیز دنبال می‌کند. حساب‌های خامنه‌ای و روحانی، همچنین خاتمی و رفسنجانی فصل مشترکی است میان دنبال‌شونده‌های

هاشمی‌رفسنجانی در توئیتر ۹۰ هزار و ۵۰۰ نفر مخاطب دارد و تنها مخاطب ۴ نفر است: علی خامنه‌ای، حسن روحانی، محمد خاتمی و محمدرضا عارف. محمد خاتمی نیز با ۱۲۰ هزار دنبال‌کننده در توئیتر، به غیر از این افراد حساب کاربری آیت‌الله خمینی را نیز دنبال می‌کند.

تمام سیاست‌مداران ایران در توئیتر. هاشمی‌رفسنجانی در توئیتر ۹۰ هزار و ۵۰۰ نفر مخاطب دارد و تنها مخاطب ۴ نفر است: علی خامنه‌ای، حسن روحانی، محمد خاتمی و محمدرضا عارف. محمد خاتمی نیز با ۱۲۰ هزار دنبال‌کننده در توئیتر، به غیر از این افراد حساب کاربری آیت‌الله خمینی را نیز دنبال می‌کند.

در اینستاگرام نیز این سیاست‌مدارها از سوی شمار بالایی از مخاطبان فضای مجازی پیگیری می‌شوند. حسن روحانی در این شبکه‌ی مجازی ۲۱۸ هزار مخاطب دارد، تنها آیت‌الله خامنه‌ای را دنبال می‌کند و ۴۰۵ عکس به اشتراک گذاشته. محمدجواد ظریف با ۱۴۲ هزار مخاطب، ۴۴ عکس در اینستاگرام خود دارد و ۷ نفر از جمله علی جنتی وزیر ارشاد و اسحاق جهانگیری وزیر کشور را دنبال می‌کند. علی جنتی یکی از سیاست‌مداران است که حساب کاربری‌اش در اینستاگرام خصوصی برنامه‌ریزی شده. محمد خاتمی که از جمله محبوب‌ترین روسای جمهور ایران شناخته می‌شود نیز در اینستاگرام حضور دارد. او با ۱۲۵ هزار مخاطب، ۱۳۲۲ عکس منتشر کرده و ۷ نفر را دنبال می‌کند. حساب کاربری آیت‌الله خامنه‌ای اما مجموعه‌ای از دنبال می‌کند که آن‌ها نیز تنها او را پیگیری می‌کنند. رهبر جمهوری اسلامی در اینستاگرام ۲۸۲ هزار دنبال‌کننده دارد، ۱۸۰۸ عکس منتشر کرده و تنها ۵ حساب دیگر را دنبال می‌کند. «Fightingthezionists»، «Letter4you»، «Khamenei_quote»، «Khamenei_video» و «eftari» پنج حساب کاربری است که به ویدیوهای مربوط به خامنه‌ای، جملات کوتاه از او و مراسم‌های افسطاری اختصاص دارد.

حساب «Fightingthezionists» با عکس مردی که نوشته‌ی «ما عاشق مبارزه با صهیونیسم هستیم» را در دست دارد ۳۲۹ هزار دنبال‌کننده دارد و تمام حساب‌هایی را دنبال می‌کند که مورد پیگیری حساب کاربری آیت‌الله خامنه‌ای است. حساب کاربری «letter4you» نیز بر اساس توصیه‌های رهبر جمهوری اسلامی به «جوانان غربی و آمریکای شمالی» فعال است. سیاست‌های دوگانه‌ی جمهوری اسلامی در قبال فضای مجازی با حضور فعال چهره‌های نخست حکومت در شبکه‌های اجتماعی از سویی و ممنوعیت فعالیت در همین فضا برای شهروندان از سوی دیگر همچنان ادامه دارد. سایت‌ها فیلتر و بسیاری به اتهام فعالیت در فضای مجازی راهی زندان شده‌اند؛ شهروندانی عادی که گاه تنها با حکم دادگاه «سیاسی» خوانده



جرم اینترنتی و نهادهای مسوول

قانون جرایم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ برای تعیین مصادیق استفاده مجرمانه از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. جرایمی که در این قانون تعیین شده «دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی»، «شنود غیرمجاز»، «جاسوسی»، «جعل» و نقض حریم شخصی شهروندان است.



آیدا آچر

بسم الله الرحمن الرحيم

با استناد به قانون جرایم رایانه‌ای
دسترسی به تارنماک فراخوانده شده امکان پذیر نمی باشد.

رسیدگی به گزارشات و شکایات: filter@dcii.ir

پیوندها :: WWW.PEYVANDHA.IR :: پیوندها

| فرهنگی و مذهبی | خبری | خانواده | سرگرمی و علمی | خدمات اینترنتی | شبهه اجتماعی | عمومی |
|-----------------|------------------|----------------|------------------------|--------------------|----------------|-----------------|
| • قرآن | • واحد مرکزی خبر | • ازدواج | • رشد | • ساماندهی | • پارسی بلاگ | • درگاه ایران |
| • تیبان | • ایرنا | • خانواده سبز | • نشریات ایران | • جس جو | • پلاکفا | • 118 |
| • حوزه علمیه | • فارس | • لقمه | • ایران ویج | • نقشه من | • ایران بلاگ | • سنجش |
| • پاسخگوی دینی | • مهر | • دست پخت | • ایران بلوتوث | • ثبت دامنه | • بلاگ اسکای | • کتاب اول |
| • راسخون | • برنا | • کودکان ایران | • نرم افزارهای متن باز | • صبا میل | • پرشین بلاگ | • قیمت ها (124) |
| • انقلاب فرهنگی | • تابناک | • مشاوره | • آرشو سیمما | • میهن میل | • پرشین گیگ | • لغت نامه |
| • گردشگری | • رجا نیوز | • ورزشی | • صدا و موسیقی ایران | • پرداخت الکترونیک | • سرزمین مجازی | • نتانگر |
| ادامه > | ادامه > | ادامه > | ادامه > | ادامه > | ادامه > | ادامه > |

فهرست مصادیق محتوای مجرمانه | نظارت بر اینترنت در دیگر کشورها

[این صفحه بعد از 28.3 ثانیه بصورت اتفاقی وارد ادامه یکی از موضوعات بالا می شود.]

شدند. سرعت اینترنت همچنان پایین است و فیلترینگ گردش آزاد اطلاعات را محدود کرده است. در سال‌های اخیر و خصوصا پس از وقایع انتخابات سال ۸۸ جمهوری اسلامی تلاش فزاینده‌ای برای کنترل دسترسی شهروندان به اینترنت داشته است؛ از جرم‌انگاری تا سرکوب فعالان اینترنتی. در حالی که دسترسی آزاد شهروندان به گردش آزاد اطلاعات از جمله حقوق آن‌ها شمرده می‌شود. در اواخر دوران اصلاحات که وبلاگ‌نویسی در جامعه جای خود را پیدا کرد، چندین روزنامه‌نگار و وبلاگ‌نویس بازداشت و برای اخذ اعتراف تلویزیونی تحت شکنجه‌های روحی، انفرادی‌های طولانی‌مدت و اتهام‌های اخلاقی قرار گرفتند. چند سال بعد اما بازداشت گروهی دیگر از وبلاگ‌نویس‌ها به صدور احکام حبس طولانی‌مدت و حتی اعدام علیه آن‌ها منجر شد.

حکومت ایران در پی وقایع سال ۸۸ تصمیم گرفت برای کاهش خطری که از سوی شهروندان معترض احساس می‌کرد، اقدام‌های امنیتی خود را بر اینترنت شدت بخشد. در همان سال برای تعیین مصادیق استفاده مجرمانه از

غیرمجاز»، «جاسوسی»، «جعل» و نقض حریم شخصی شهروندان است. در بخش‌های چهارم و پنجم اما به جرایم علیه «عفت و اخلاق عمومی» و همچنین «هتک حیثیت و نشر اکاذیب» پرداخته که از مسایل جنسی تا مواد مخدر را در برمی‌گیرد. از سوی دیگر اتهام‌های «تشویق اذهان عمومی» را مطرح کرده؛ بدون آن‌که مصادیقی برای موارد مد نظر خود ارائه دهد.

به عنوان مثال در این قانون به «شنود» و ممنوعیت شهروندان در نقض حریم شخصی دیگران و سیستم‌های دولتی و مخابراتی اشاره شده؛ اما نهادهای دست‌اندر کار در این حوزه

بارها با کنترل ابزارهای ارتباط جمعی شهروندان، حریم شخصی آن‌ها را نقض کرده‌اند و اقدام خود را حفاظت از «امنیت ملی» تعریف می‌کنند. از سوی دیگر در مهرماه سال ۸۸ ۵۱ درصد سهام شرکت مخابرات به چندین شرکت زیر نظر سپاه پاسداران فروخته شد که نگرانی بابت به خطر افتادن امنیت شهروندان را شدت بخشید.

پس از شدت پیدا کردن درگیری‌های سال ۸۸ اما شرکت‌های بین‌المللی مختلفی مثل سامسونگ ابزارهای ارتباط جمعی به ایران فروختند که توسط آن جمهوری اسلامی می‌توانست مکالمات روزمره شهروندان را کنترل کند.

بر اساس ماده ۲۲ قانون جرایم اینترنتی، برای تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، کارگروهی تشکیل شد که زیر نظر دادستان کل کشور فعالیت کرده و ترکیب ۱۳ نفره دارد که ۶ نفر از آن‌ها عضو دولت یا قوه‌ی مجریه هستند؛ وزیر نماینده‌ی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رییس سازمان تبلیغات اسلامی، رییس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون حقوقی و قضایی و تایید مجلس.

با اوج گرفتن درگیری‌های پس از انتخابات ۸۸ این کمیته در دی ماه همان سال فهرستی از مصادیق محتوای مجرمانه ارائه داد که در آن انتشار فیلترشکن یا آموزش عبور از فیلترینگ از جمله آن‌ها بود. از آن زمان شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارج از ایران که منتقد یا معترض به جمهوری اسلامی بودند، فیلتر شدند؛ در حالی که فیلترینگ از جمله موارد نقض حقوق شهروندی و بشر محسوب می‌شود. طبق میثاق‌ها و کنوانسیون‌هایی که به موضوع اینترنت پرداخته‌اند، ایجاد

هرگونه اشکال در گردش آزاد اطلاعات نقض این حق شهروندی‌ست. ارسال پارازیت‌ها نیز که سال‌هاست مورد بحث قرار دارد، نه تنها با ایجاد اختلال در راه‌های مخابراتی همین حق را نقض می‌کند، بلکه تأثیرات منفی این اقدام بر سلامت شهروندان نیز نقض حق برخورداری از سلامت محسوب می‌شود که دولت موظف به تامین آن است.

جمهوری اسلامی برای کنترل بیشتر دنیای نامتناهی اینترنت، ارگان‌های مختلف دخیل در این حوزه را زیر نظر «شورای عالی فضای مجازی» قرار داد. این شورا در اسفند ماه سال ۹۰ مستقیماً به دستور آیت‌الله علی

خامنه‌ای، رهبر ایران تشکیل و وظیفه‌ی آن ایجاد مرکز ملی فضای مجازی تعیین شد. این شورا فهرست وبسایت‌هایی را که باید مسدود شوند بر پایه ملاک‌هایی چون خلاف هنجار جامعه یا شؤن اسلامی، تهدید امنیت ملی و تبلیغ روش‌های دور زدن فیلترینگ تعیین می‌کند. سیاست‌های کلی کارگروه «تعیین مصادیق محتوای

مجرمانه» نیز توسط همین شورا مقرر می‌شود که اکثر اعضای این دو مشترک هستند. مسدود کردن وبسایت‌های اینترنتی البته در ایران در مواردی نیز با تصمیم کمیته‌ای تحت نظارت شورای عالی انقلاب فرهنگی با حضور نمایندگان صدا و سیما، مخابرات و وزارت اطلاعات صورت می‌گیرد. البته قوه‌ی قضاییه نیز می‌تواند با دسترسی مستقیم، سایتی را مسدود کند. تا پیش از تشکیل این شور؛ شورای عالی انفورماتیک، شورای عالی اطلاع رسانی و شورای عالی فناوری اطلاعات، نهادهایی بودند که در سیاست‌گذاری و اجرا در این حوزه فعالیت داشتند.

شورای عالی فضای مجازی جمعی از اعضای حقوقی و حقیقی هستند که رییس آن رییس جمهوری است. روسای مجلس، قوه قضاییه، سازمان صدا و سیما، وزرای ارتباطات و فناوری اطلاعات، فرهنگ و ارشاد اسلامی، علوم تحقیقات و فناوری و اطلاعات، دبیر شورا و رییس مرکز ملی فضای مجازی، رییس کمیسیون فرهنگی مجلس، رییس سازمان تبلیغات اسلامی، فرمانده کل سپاه، فرمانده ناجا و همچنین دادستان کل کشور اعضای حقوقی این شورا هستند. اعضای حقیقی این شورا نیز توسط رهبری تعیین می‌شوند.

وظیفه‌ی مرکز ملی فضای مجازی نیز به گفته‌ی رهبر جمهوری اسلامی «اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و جهانی و تصمیم‌گیری نسبت به نحوه مواجهه فعال و خردمندانه کشور با این موضوع از حیث سخت‌افزاری،

جمهوری اسلامی برای کنترل بیشتر دنیای نامتناهی اینترنت، ارگان‌های مختلف دخیل در این حوزه را زیر نظر «شورای عالی فضای مجازی» قرار داد. این شورا در اسفند ماه سال ۹۰ مستقیماً به دستور آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران تشکیل و وظیفه‌ی آن ایجاد مرکز ملی فضای مجازی تعیین شد. این شورا فهرست وبسایت‌هایی را که باید مسدود شوند بر پایه ملاک‌هایی چون خلاف هنجار جامعه یا شؤن اسلامی، تهدید امنیت ملی و تبلیغ روش‌های دور زدن فیلترینگ تعیین می‌کند.

| دسترسی به تارنماک فراخوانده شده امکان پذیر نمی باشد. جهت رسیدگی به گزارشات و شکایات اینجا کلیک کنید. | پست الکترونیک | فرهنگی و مذهبی |
|--|--|--|
| • ارسال ایمیل • ارسال پیام • ارسال صوت • ارسال عکس • ارسال ویدیو • ارسال فایل | • ارسال ایمیل • ارسال پیام • ارسال صوت • ارسال عکس • ارسال ویدیو • ارسال فایل | • قرآن • حدیث • روایات • احادیث • تفسیر • احکام • سوره‌ها • آیات • احادیث • تفسیر • احکام • سوره‌ها • آیات |
| تولید محتوا | تولید محتوا | تولید محتوا |
| • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا | • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا | • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا |
| تولید محتوا | تولید محتوا | تولید محتوا |
| • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا | • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا | • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا |
| تولید محتوا | تولید محتوا | تولید محتوا |
| • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا | • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا | • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا • تولید محتوا |

نرم‌افزاری و محتوایی در چارچوب مصوبات شورای عالی و نظارت بر اجرای دقیق و تصمیمات در همه سطوح» تعیین شده است.

جدا از این نهادها دولت نیز در آن‌ها نقش دارد، در سال ۱۳۸۶ نهادی وابسته به سازمان اطلاعات سپاه پاسداران با عنوان «مرکز بررسی‌های جرایم سازمان یافته» تاسیس شد که هدف خود را «نظارت و بررسی جرائم سازمان یافته تروریستی، جاسوسی، اقتصادی و اجتماعی در فضای مجازی» تعریف کرد. این مرکز یکی از مراکز وابسته به فرماندهی پدافند سایبری سپاه است که در همکاری با قوه قضاییه ایران و با تکیه بر اصل ۱۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی مبنی بر «پاسداری از نظام و دستاوردهای آن»، محتوای اینترنتی حساب‌های کاربری شهروندان را کنترل کرد. در عین حال با نقض حریم شخصی، آن‌ها را مورد بازداشت نیز قرار داد. به عنوان نمونه در سال گذشته چندین نفر در استان فارس به اتهام «توهین به بنیان‌گذار جمهوری اسلامی» توسط سپاه فجر این استان بازداشت شدند. یا به عنوان نمونه اعضای سایت نارنجی در آذر ماه سال ۹۲ توسط سپاه پاسداران بازداشت شدند. این سایت در زمینه تحلیل گجت‌ها و ابزارهای جدید در دنیای تکنولوژی فعالیت می‌کرد. پرونده‌ی «۸ فعال فیس‌بوکی» که شهروندانی عادی هستند نیز از جمله دیگر پرونده‌هایی است که متهمان آن توسط سپاه پاسداران بازداشت شده‌اند.

از جمله دیگر اقدامات جمهوری اسلامی در کنترل اینترنت و کاربران آن، راه‌اندازی «ارتش سایبری» زیر نظر سپاه پاسداران بود که طرح تشکیل آن در سال ۱۳۸۴ مطرح شد. اما در پی بالا رفتن ناراضی‌های مردم از دولت نهم و گسترش شبکه‌های اجتماعی میان شهروندان ایران، این طرح سریع‌تر از موعد در چهار گروه کاری به اجرا درآمد؛ گروه اول که وظیفه‌اش هدف قرار دادن تاسیسات «دشمن» است. گروه دوم مأمور انتقال اطلاعات به وسیله هک کردن پسروردهاست. گروه سوم مأموریت پیگیری هویت هک‌های مهاجم و خنثی کردن فعالیت آن‌ها را برعهده دارد و در نهایت گروه چهارم به ارسال پارازیت

بر شبکه‌های تلویزیونی غربی - فارسی و غیر فارسی - مشغول است. دلایل مسوولان در ایجاد این ارتش در ابتدا مقابله با سایت‌های «ضد اخلاقی» با محتوای «مستهجن» عنوان شد. منظور از «مستهجن» نیز «صحنه و صور قبیح‌هایست که بیان‌گر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش و عمل جنسی» است. طبق جرایم اینترنتی اگر این اقدام به شکل «حرفه» باشد یا

«سازمان‌یافته»، متهم ممکن است «مفسد فی الارض» شناخته شود. می‌توان به عنوان نمونه به سایت «آویزون» اشاره کرد که سعید ملک‌پور یکی از متهمان آن پرونده، به اعدام محکوم شد. چندی بعد البته این حکم به حبس ابد تقلیل پیدا کرد. بسیاری از شهروندانی که توسط ارتش سایبری هدف قرار گرفتند، هنگام بازجویی با محتوای ایمیل‌ها و حساب‌های کاربری شخصی مواجه شدند که این امر نیز از مصادیق نقض حریم شخصی به حساب می‌آید. سپاه پاسداران همچنین به شکل رسمی مسوولیت سایت «گرداب» را برعهده گرفت که وابسته به مرکز جرایم سازمان‌یافته است.

از جمله حمله‌های اینترنتی ارتش سایبری ایران، حمله به تویتر در آذر ماه ۸۸ است. سایت «بایدو» بزرگ‌ترین موتور جست‌وجوگر چینی نیز دیگر هدف ارتش سایبری بود که در دی ماه سال ۸۸ مورد هجوم واقع شد. سایت‌های بسیار دیگری از جمله رادیو زمانه، خبرنامه امیرکبیر، جرس و ... نیز بارها مورد حمله‌ی ارتش سایبری قرار گرفتند. موسسه «دیفنس‌تک» از موسسات نظامی و امنیتی آمریکا نیز به استناد آمار دریافتی خود از سازمان اطلاعات این کشور، ایران را یکی از ۵ کشوری دانست که قوی‌ترین نیروی سایبری را داراست. این در حالی‌ست که بر اساس قوانین بین‌المللی و همچنین قوانین داخلی بسیاری از کشورها، هک و تهاجم اینترنتی جرم شناخته می‌شود. عاملان این جرایم نیز معمولاً به پرداخت هزینه‌های هنگفت مالی یا زندان محکوم می‌شوند.

همزمان با این اقدامات، در بهمن ماه سال ۱۳۸۹ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که فرماندهان توسط آیت‌الله خامنه‌ای منصوب می‌شوند، پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات (فتا) را تاسیس کرد. این اقدام به گفته‌ی اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده وقت نیروی انتظامی در پی ترور دانشمندان هسته‌ای صورت گرفت. در پی تحولات سال ۸۸ تعدادی از فیزیک‌دان‌ها و دانشمندان هسته‌ای ترور شدند که بعدتر مشخص شد تعدادی از آن‌ها به درخواست همکاری از سوی جمهوری اسلامی پاسخ رد داده بودند.

شبکه‌های اجتماعی و گسترش اطلاعات یکی دیگر از عواملی بود که احمدی‌مقدم به آن اشاره کرده بود: «شبکه‌های اجتماعی اینترنتی سال گذشته - ۸۸ - هزینه‌های بسیاری را در کشور ما تحمیل کردند که به علت شایعه‌پراکنی و شناختن گروه‌های ضد حکومتی توسط یکدیگر بود». طبق گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر ایران، یکی از فعالیت‌های پلیس فتا، رصد کردن فعالیت‌های اینترنتی فعالان



از جمله حمله‌های اینترنتی ارتش سایبری ایران، حمله به تویتر در آذر ماه ۸۸ است. سایت «بایدو» بزرگ‌ترین موتور جست‌وجوگر چینی نیز دیگر هدف ارتش سایبری بود که در دی ماه سال ۸۸ مورد هجوم واقع شد. سایت‌های بسیار دیگری از جمله رادیو زمانه، خبرنامه امیرکبیر، جرس و ... نیز بارها مورد حمله‌ی ارتش سایبری قرار گرفتند.

مدنی و سیاسی و در برخی موارد احضار و دستگیری افراد به خاطر فعالیت‌های آنلاین آن‌ها است.

پلیس فتا به عنوان پلیس سایبری نیز شناخته می‌شود. شرکت بیان در اردیبهشت ۹۳ افشا کرد که پلیس فتا برای دریافت اطلاعات شخصی یک بلاگر اقدام به اعمال فشار غیرقانونی کرده اما این شرکت اطلاعات مورد درخواست را ارائه نداده است.

این شرکت مدارکی را نیز ضمیمه ادعای خود کرد که طبق آن ۴ نامه بین شرکت بیان و پلیس فتا رد و بدل شده بود. پلیس فتا از مدیریت این شرکت خواسته بود تا به قید فوریت مشخصات مربوط به سوابق فعالیت یک کاربر را «جهت بهره برداری لازم به این پلیس» اعلام دارد. پلیس فتا در پلمپ کافی‌نت‌ها و همچنین بازداشت فعالان اینترنتی نیز نقش دارد. به عنوان نمونه سال گذشته طی یک هفته

۶۷ کافی‌نت در تهران توسط پلیس فتا تعطیل شدند. پلیس فتا بارها نیز تهدید کرده که محتوای ابزارهای ارتباط جمعی مانند واتس‌اپ را کنترل کرده و با متخلفان برخورد خواهد کرد. جنجالی‌ترین حادثه‌ای که پلیس فتا پیش آورد اما مربوط به پرونده‌ی ستار بهشتی بود. وبلاگ‌نویس ۳۵ ساله‌ای که در آبان ماه ۱۳۹۱ به دلیل نوشتن مطالبی اعتراض‌آمیز در وبلاگ خود توسط پلیس فتا دستگیر و زیر شکنجه‌ی مأموران این پلیس جان خود را از دست داد. زندانیان دیگری نیز پس از آزادی یا ترک ایران عنوان کردند که هنگام مقاومت زیر شکنجه، مأموران آن‌ها را تهدید می‌کردند که «مثل ستار بهشتی» آن‌ها را خواهند «کشت». گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی با گذشت نزدیک به ۳ سال از این واقعه همچنان تصویر فرزندش را در آغوش دارد و صدای فریادهایش توسط همین اینترنت در سراسر جهان منتشر می‌شود. در مقابل این واقعه اما صرفاً محمدحسن شکران، رییس پلیس فتا برکنار شد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی اما نهاد زیرمجموعه‌ی دیگری نیز در این حوزه داراست. پلیس امنیت اخلاقی از جمله نهادهایی است که می‌تواند شهروندان را بازداشت کند. یکی از پر سر و صداترین بازداشت‌های این پلیس، دستگیری گروه «هپی» در ایران بود. عده‌ای جوان که با تقلید از کلیپ موسیقی غربی «من شاد هستم» را تکرار می‌کردند. از سوی دیگر به دعوت نیروی انتظامی شهروندان موظف شدند تا افرادی را که توسط ابزارهای ارتباط جمعی مانند وایبر مطالب «توهین‌آمیز» به «مقدسات» منتشر می‌کنند، معرفی کنند. در آبان ماه سال ۹۳ چندین نفر به اتهام «توهین به مقدسات توسط وایبر» توسط پلیس بازداشت شدند. شاکی آن‌ها شهروندی عادی بود که خواستار شناسایی این افراد

و برخورد با آن‌ها شده بود. از جمله موارد توهین‌آمیز مطالب طنزی بود که درباره‌ی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی منتشر می‌شد.

طبق آخرین رده‌بندی جهانی مبنی بر جایگاه کشورها در خصوص وضعیت اینترنت ایران در میان ۲۰۰ کشور از حیث سرعت دانلود اینترنت پهن‌بند رتبه‌ی ۱۴۷ و از میان ۱۱۴ کشور رتبه‌ی

۹۸ را در خصوص سرعت دانلود اینترنت موبایل قرار گرفت. این رده‌بندی به ماه مارس سال ۲۰۱۵ اختصاص دارد. پایین آوردن سرعت اینترنت نیز یکی دیگر از اقدام‌های جمهوری اسلامی برای مسدودسازی دسترسی شهروندان به گردش آزاد اطلاعات است.

با روی کار آمدن حسن روحانی، انتظارات حاکمی از آزاد شدن اینترنت و کاهش برخوردهای امنیتی با شهروندان در این خصوص بود.

وی از زمان مبارزات انتخاباتی تا پس از انتخاب شدن چندین بار از حق دسترسی آزاد شهروندان به اینترنت دفاع کرد. او همچنین در شهریور ماه سال ۹۲ در گفت‌وگویی با شبکه ان‌بی‌سی گفت: «دیدگاه دولت این است که مردم باید به تمام اطلاعات جهان دسترسی داشته باشند. دیدگاه‌های ما در این مورد باید بر حفظ هویت ملی و اخلاقیات ما مبتنی باشد». وی همچنین بارها به نقش مثبت شبکه‌های اجتماعی اشاره کرده و خود نیز از جمله کاربران آن محسوب می‌شود. علی جنتی، وزیر ارشاد نیز بارها مقابل فشار جناح راست افراطی برای فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباط جمعی مقاومت کرده است. او در نشست با فعالان رسانه‌های دیجیتال گفته بود: «باید با اعضای کمیته فیلترینگ صحبت کنیم که نه تنها فیس‌بوک بلکه سایر شبکه‌های اجتماعی نیز قابل دسترسی باشد و قید غیرقانونی برداشته شود». با این وجود و با گذشت نزدیک به دو سال از ریاست جمهوری حسن روحانی، نه تنها پیشرفتی حاصل نشده بلکه توسعه‌ی اینترنت ملی در ایران تداوم یافته، فیلترینگ افزایش پیدا کرده و آزار و اذیت فعالان اینترنت و متخصصان فن‌آوری اطلاعات نیز بیشتر شده است. این در حالی‌ست که با دستگیری یک شهروند به اتهام فعالیت اینترنتی نه تنها حریم شخصی او نقض شده بلکه در روند رسیدگی به پرونده‌اش حقوق دیگری نیز از وی سلب می‌شود. این روند از بازداشت‌گاه و ضرب و شتم متهمان شروع می‌شود تا فشار برای اعتراف‌های اجباری و حتی این امکان وجود دارد که شهروندی مانند ستار بهشتی زیر مشت و لگد جان ببازد یا فردی مانند سهیل عربی برای نوشتن چند جمله‌ی اعتراضی به اعدام محکوم شود.





رفع فیلترینگ به معنای تامین امنیت کاربران نیست

در گفت‌وگو با علی نکویی

حقوق ما- با گسترش فضای اینترنت و شبکه‌های مجازی، در کنار بالا رفتن سطح آگاهی و گردش آزاد اطلاعات، امنیت شهروندان و کاربران این فضا است که هر روز مورد تهدید قرار می‌گیرد. هک‌هایی که می‌توانند برای اهداف شخصی، حساب‌های کاربری را مورد حمله خود قرار دهند یا هک‌هایی که در سطوح بالاتر اطلاعات امنیتی به دست می‌آورند. شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباط جمعی نیز هر از چندی به روز رسانی می‌شوند. در مقابل این هجوم تکنولوژی اما هر کاربری می‌بایست از خود و اطلاعاتش در مقابل انگیزه‌های شخصی یا غیرشخصی محافظت کند.

در سال‌های اخیر شبکه‌های اجتماعی و همچنین ابزارهای ارتباط جمعی در حکومت‌های توتالیتر به ابزارهایی برای تعیین جرم نیز تبدیل شده‌اند. جمهوری اسلامی به عنوان نمونه‌ای از این حکومت‌ها با تعیین جرم رایانه‌ای، شهروندان بسیاری را بازداشت و زندانی کرده که بسیاری از آن‌ها هیچ‌گونه فعالیت سیاسی نداشته و از جمله شهروندان عادی هستند.

برای آگاهی از جایگاه فعلی ارتش سایبری، فیلترینگ و اندک روش‌هایی برای بالا بردن امنیت سایبری با علی نکویی فعال اینترنت گفت‌وگو کردیم.

• اگر بخواهیم ارزیابی از جایگاه فعلی ارتش سایبری و نوع فعالیت آن‌ها داشته باشیم، چقدر به تغییرات آن آگاه هستیم و فعالیت آن‌ها در حال حاضر به چه سمت و سویی است؟

قبل از هر چیز باید اشاره کنم که اصولاً هیچ ارتشی، اطلاعاتی از فعالیت‌های خود را منتشر نمی‌کند که بتوان به دقت گفت در حال حاضر در چه حالی هستند. تا جایی که من اطلاع دارم به جز گروه گرداب - که فرماندهی سپاه خبر تشکیل آن از سوی سپاه را اعلام کرده است - بقیه‌ی گروه‌های زیر

عنوان ارتش سایبری به گفته‌ی مسوولان از «نیروهای خودجوش مردمی» هستند. آن‌چه من اطلاع دارم حاکی از تغییر رویکرد این گروه‌ها از ارباب عمومی به بسط و گسترش نفوذ خود است. از سوی دیگر با انجام عملیات‌هایی در بقیه‌ی کشورها (بیش از همه آمریکا) در پی معرفی خود به عنوان یکی از قدرتهای سایبری جهان هستند. بر همین اساس چند ماه پیش FBI به شرکت‌های تجاری هشدار داد و از آن‌ها خواست که مراقب هک‌های ایرانی باشند.

در مورد نحوه‌ی فعالیت باید دید که کدام لایه از این گروه‌ها مد نظر است. اگر گروه‌های هک مثل آشیانه مد نظر است که به نظر می‌رسد محور فعالیت آن‌ها در حال حاضر آموزش است، ولی برخی گروه‌های کوچک دیگر جذب پلیس فتا شده‌اند یا به صورت قراردادی با دولت همکاری می‌کنند.

• فکر می‌کنید رویکرد دولت یازدهم به کنترل امنیتی اینترنتی شهروندان به چه شکل است؟ کنترل‌های امنیتی در این دولت بیشتر شده یا کم‌تر؟

به علت عدم وجود آمار در این زمینه، امکان بررسی دقیقی وجود ندارد. اگر هم آمار ارایه شده باشد بسته به تعریفی است که از «کنترل امنیتی» داریم. اما مشاهده‌ی شخصی من (که لزوماً درست نیست) حاکی از آن است که جنس کنترل امنیتی با بگیر و ببندهای معمول سال‌های بعد از ۸۸ تغییر فاحشی داشته. به عنوان مثال ظرف یک سال گذشته نه از حکم‌های کذایی ۲۰ سال حبس برای گذاشتن نوشته در شبکه‌های اجتماعی خبری است و نه بازداشت به خاطر گذاشتن ویدیوی «شادی». به علاوه با کمی دقت متوجه می‌شویم که میزان مسوولانی که از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند رو به رشد است و به تعبیری «سیاست‌ورزی فیس‌بوکی/اینستاگرامی» در حوزه‌ی داخلی و «دیپلماسی توییتری» در حوزه‌ی خارجی شکل گرفته است. ظرف همین چند روز گذشته نمایندگان منتقد و

موافق دولت به جای پاسخ‌گویی به سبک سنتی، از اینستاگرام و فیس‌بوک استفاده کردند. این نشان می‌دهد که فضا (در حد عمومی) بازتر شده است و دور از انتظار نیست که در آینده‌ی نزدیک شاهد رفع فیلتر از فیس‌بوک یا دیگر شبکه‌های اجتماعی باشیم اما این بدان معنی نیست که حفظ حریم خصوصی و امنیت کاربران در راس برنامه‌ی دولت باشد.

• به روزرسانی فیلترینگ از سویی و فیلترشکن‌ها از سوی دیگر جنگی میان آن‌ها پدید آورده. آیا می‌توانیم امروز ارزیابی داشته باشیم که در این رقابت کدام سو به روزتر است یا کدام‌طرف قوی‌تر؟

تعبیر بهتر این است که فضای اینترنت را باید مانند دشتی

توصیف کرد که بنا به هر دلیلی دولت‌ها دیواری دور آن می‌کشند. ممکن است دولتی دیواری رنگی بکشد، دیگری دیواری بلند و آن یکی در و پنجره هم در آن تعبیه کند. هر چه میزان مسدودسازی‌ها بیش‌تر شود، دیوارها بلندتر می‌شوند و در و پنجره‌ها بسته‌تر. جنس رقابت از این نوع است و تا زمانی که فضایی برای نفوذ باشد، راهی برای دور زدن این محدودیت‌ها نیز هست. آن‌چه که من می‌بینم فاصله‌ی معناداری با فضای حاکم بر چین دارد. هنوز راه‌های زیادی برای دور زدن فیلترینگ وجود دارد. برای استناد کافی ست سری به کنفرانس‌های تخصصی تولید راه‌های دور زدن چنین محدودیت‌هایی زد تا دید که دولت‌ها جلوترند یا فعالان این حوزه. در ضمن فراموش نکنید که دولت‌ها بر اساس دیدگاه سیاسی‌شان چنین محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند اما گروه‌های آزادی‌خواه بر اساس باورها و عموماً به صورت داوطلبانه به سوی چنین اقداماتی می‌روند. به نظر می‌آید که در این رقابت، تحت هر شرایطی دولت‌ها بازنده‌اند، چه از بعد مشروعیت و چه از بعد اقتصادی. سانسور و فیلتر کردن اینترنت ضررهای هنگفتی به اقتصاد ایران زده و می‌زند. نمی‌توان از این قضیه چشم‌پوشی کرد.

• در سال‌های اخیر، بیشتر از شبکه‌های اجتماعی، ابزارهای ارتباط جمعی بین مردم گسترش پیدا کرده. هر شهروندی که بتواند موبایل هوشمندی داشته باشد، می‌تواند از ابزارهای ارتباط جمعی مانند واتس‌آپ و تلگرام بهره بگیرد. این ابزارها تا چه اندازه می‌تواند امنیت کاربران را به خطر بیندازد؟

متأسفانه به خاطر رفتارهای انحصارطلبانه‌ی دولت، خلط‌مطبی شکل گرفته و ترس امنیتی کاربران از اتفاق‌های مهم و ترسناک به بگیر و ببندهای سیاسی و مفرزانه تقلیل پیدا کرده است. وقتی بحث امنیت می‌شود همواره نگاه ما به دولتی است که برای محدود کردن فضا از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کند.

بحث دولت پاسخ‌گو و دولت متعهد به قانون اساسی و کرامت انسانی، نقطه‌ی تفاوت دولت‌هایی مثل چین و ایران و روسیه و عربستان و ... با دولت‌های دیگر است که آن‌ها نیز گاه و بی‌گاه چنین اقدام‌هایی را به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و ... انجام می‌دهند.



برای همین باید این معقوله را در دو بخش مختلف بررسی کرد. مخاطرات امنیتی با عاملیت دولت بحث اول است. دولت‌ها امکان جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کاربران را دارند. فرض کنید که دولت به صورت حرفه‌ای اقدام به جمع‌آوری همه‌ی پیام‌های رد و بدل شده بین کاربران ایرانی وایبر کند. در این صورت دولت میلیون‌های پیام را به صورت روزانه جمع‌آوری می‌کند. در این صورت دولت پایگاه داده‌ی عظیمی به شکل فرستنده، گیرنده، متن پیام، تاریخ و ساعت را دارد. با تحلیل این محتوا کسانی که جوکی درباره‌ی آیت‌الله خمینی گفته‌اند را بازداشت می‌کند. البته من امیدوارم که اگر دولت به چنین توانایی رسیده است به جای این تیپ کارها، فکری

به حال رشد بیمارگونه‌ی محتوای نژادپرستانه، تبعیض‌آمیز، نفرت‌پراکنانه و قومیتی بکند. پس مخاطره‌هایی برای کاربران از سوی دولت‌ها وجود دارد. بحث دولت پاسخ‌گو و دولت متعهد به قانون اساسی و کرامت انسانی، نقطه‌ی تفاوت دولت‌هایی مثل چین و ایران و روسیه و عربستان و ... با دولت‌های دیگر است که آن‌ها نیز گاه و بی‌گاه چنین اقدام‌هایی را به بهانه‌ی مبارزه با تروریسم و ... انجام می‌دهند.

از سوی دیگر با پدیده‌ی تجاری شدن نقض حریم خصوصی کاربران مواجه‌ایم. اقدامی که با جی‌میل شروع شد و در حال حاضر به سلطنت فیس‌بوک رسیده است. در این مورد باید همه‌ی کاربران این شبکه‌های اجتماعی یا نرم‌افزارها یک سوال اساسی را مد نظر داشته باشند. این شرکت‌های تجاری چه منافعی دارند که چنین خدماتی را بدون دریافت هزینه در اختیار میلیون‌ها کاربر قرار می‌دهند. جواب این سوال در امضای توافق‌نامه‌ای است که هنگام ثبت نام در برنامه‌های مختلف بدون خواندن آن، اعلام موافقت کرده و پیش می‌رویم. برای مثال باید از مخاطبان پرسید که آیا می‌دانید که فیس‌بوک مالک تمام محتوایی است که در آن می‌گذارید؟ آیا می‌دانید که گوگل رد پای شما را جمع می‌کند؟ آیا می‌دانید که وایبر شماره‌های شما را روی سرور خود ذخیره می‌کند؟ و ... عموم کاربران به چنین مسایلی توجه نمی‌کنند. این سلطه‌ها بسیار نگران‌کننده‌تر از کارهایی است که دولت می‌کند و در حال حاضر فضا به گونه‌ای چرخیده که مسوولان فیس‌بوک برای عدم حفظ امنیت کاربران ایرانی توسط دولت، ابراز نگرانی می‌کنند یا مدیران گوگل به دنبال راهی برای حفظ حریم خصوصی ایرانیان هستند. باید به حکومت ایران تریک گفت که گفتمان غالب جهانی علیه شرکت‌هایی که سرمدار نقض حریم خصوصی و امنیت کاربران هستند، را به جایی رسانده که این شرکت‌ها از وضعیت حریم خصوصی و امنیت در ایران ابراز نگرانی کنند.

فارغ از این مقدمه‌ی طولانی که عامل‌های به خطر انداختن امنیت را توضیح داد، اگر کاربری دغدغه‌ی ایمن بودن داشته باشد باید پیش از استفاده از هر برنامه‌ای درباره‌ی آن تحقیق کند. فرمول ساده‌ی آن این است که نرم‌افزارهای تجاری منافعی دارند که حداقل آن جمع‌آوری اطلاعات کاربران و فروش آن به دولت‌ها و دیگر شرکت‌های تجاری است. در مقابل و به ویژه پس از افشای‌های ادوارد اسنودن بسیاری از سازمان‌های کوچک و بزرگ دست به تولید نرم‌افزارهای آزاد زده‌اند. بدون شک این نرم‌افزارها به اندازه‌ی نرم‌افزارهای تجاری دارای امکانات نیستند اما به کاربران این اطمینان را می‌دهند که امنیت و حریم خصوصی آن‌ها نقض نمی‌شوند.

• در میان این ابزارهای ارتباطی، کدام یک امنیت بیشتری دارند؟ دسترسی کنترل‌گرها به کدام یک از آن‌ها کم‌تر یا بیشتر است؟

سوال بسیاری از مردم همین است و جواب بسیار ساده‌تر از خود سوال. آیا احتمال دزدی از خانه‌ای که در آن قفل است با خانه‌ای که در آن باز است یکی‌ست؟ بدون شک هر سیستم رمزگذاری‌شده‌ای (معادل قفل) امکان بازگشایی کم‌تری دارد. در واقع استفاده از سیستم‌های رمزگذاری معادل فرستادن یک نامه بدون قرار دادن آن در پاک است. پست‌چی، متصدی پست و ... امکان خواندن محتوای آن را (به هر انگیزه‌ای) دارند اما وقتی نامه را در پاکت بگذارید و پاکت را مهر و موم کنید، خیالتان راحت است که محتوای نامه‌تان به سادگی لو نمی‌رود. استفاده از سیستم‌های رمزگذاری شده و بهتر از استفاده از سیستم‌های رمزگذاری‌شده‌ی نقطه-به-نقطه

(End-to-end encryption) به کاربران این قوت قلب را می‌دهد که حتی اگر محتوای پیام، عکس، ویدیو یا صدای آن‌ها در بین راه دزدیده شود، امکان رمزگشایی آن ساده نیست.

• شاید سوال تکراری باشد اما می‌تواند همچنان پاسخ‌دهنده‌ی سوال مخاطبان باشد: برای بالای رفتن امنیت اینترنت چه راه‌هایی ابتدایی و آسانی را می‌شود به کاربران پیشنهاد داد؟

جوابی کلیشه‌ای به یک سوال بسیار مهم. پیش از هر چیز باید مد نظر داشت که امنیت یک کلید نیست که با فشردن آن برقرار شود. امنیت به عامل‌های زیادی وابسته است، اما می‌توان مجموعه‌ای از ابزارها را معرفی کرد که به آن‌ها کمک کند:

- استفاده از ضد ویروس و بارو (فایروال). نکته‌ی مهم در این زمینه استفاده از سرویس‌های رایگان است چرا که برای به‌روز شدن مشکلی به وجود نخواهد آمد.

- انتخاب رمزهای قوی (ترکیب حروف بزرگ و کوچک، اعداد و علامت‌ها) و تغییر مرتب آن‌ها. می‌توان از نرم‌افزارهای مدیریت رمز استفاده کرد.

- نقل مکان از خدمات نامن (بدون سرویس رمزگذاری یا شرکت‌هایی که اطلاعات را به دولت‌ها یا دیگر شرکت‌ها می‌فروشند و ...) به خدمات امن.

- مراقب بودن. عدم باز کردن هر رایانامه‌ای، احتیاط در قرار دادن اطلاعات شخصی روی اینترنت به ویژه شبکه‌های اجتماعی، مراقب دستگاه بودن، نصب کردن نرم‌افزارهای ضد سرقت روی گوشی و لپ‌تاپ و ...



استفاده از سیستم‌های رمزگذاری شده و بهتر از استفاده از سیستم‌های رمزگذاری‌شده‌ی نقطه-به-نقطه (End-to-end encryption) به کاربران این قوت قلب را می‌دهد که حتی اگر محتوای پیام، عکس، ویدیو یا صدای آن‌ها در بین راه دزدیده شود، امکان رمزگشایی آن ساده نیست.

اتهام: فعالیت در فیس‌بوک

در سال ۱۳۸۶ مرکزی با نام «مرکز بررسی‌های جرایم سازمان یافته» در ایران تشکیل شد که یکی از نهادهای وابسته به سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.



حقوق ما- پیش‌تر، زمانی‌که رسانه‌های آنلاین و وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی وجود نداشت؛ فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران، از جمله افرادی بودند که زیر نظر وزارت اطلاعات قرار داشتند. این افراد یا بازداشت می‌شدند و یا رسانه‌ی چاپی آن‌ها با خطر توقیف موقت و یا دائمی رو به رو بود. اما از زمانی که وبلاگ‌نویسی و بعدتر شبکه‌های اجتماعی در ایران مورد استفاده قرار گرفت؛ وبلاگ‌نویسان و فعالان در شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک؛ مانند روزنامه‌نگاران و فعالان مدنی و سیاسی در فهرست بلندبالای وزارت اطلاعات قرار گرفتند و به دقت زیر نظر گرفته شدند.

هر چه اینترنت در ایران بیشتر گسترش پیدا کرد و در دسترس افراد بیش‌تری قرار گرفت؛ نگرانی‌های جمهوری اسلامی نیز در مورد نحوه‌ی استفاده از اینترنت توسط شهروندان گسترش پیدا کرد. به همین منظور در سال ۱۳۸۶ مرکزی با نام «مرکز بررسی‌های جرایم سازمان یافته» در ایران تشکیل شد که یکی از نهادهای وابسته به سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

در وبسایت رسمی این مرکز، هدف از ایجاد آن این گونه بیان شده «برخورد با تحریکات سازمان یافته داخلی و بین‌المللی و سوء استفاده از بستر اینترنت (علیه نظام جمهوری اسلامی ایران) و سایر سامانه‌های ارتباطی جهت انجام اقدامات تروریستی، جاسوسی اینترنتی، پول‌شویی و تهاجمات فرهنگی (علیه فرهنگ انقلاب اسلامی ایران) و هتک حرمت و توهین به مقدسات دین اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران با همکاری قوه قضاییه‌ی ایران تشکیل شده است و طبق اصل ۱۵۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای پاسداری از این نظام و دستاوردهای آن فعالیت می‌کند».

از این رو؛ تمام فعالیت‌های وبلاگ‌نویسان و فعالان در شبکه‌های اجتماعی و صفحه‌هایی که در فیس‌بوک تشکیل شدند و به درجه‌ی بالایی از محبوبیت و شهرت رسیدند؛ توسط وزارت اطلاعات به دقت بررسی شده و اگر نقدی به حکومت و مذهب و عدم حقوق تساوی شهروندان و به طور کلی مواردی که خط قرمز جمهوری اسلامی است در این صفحه‌های اینترنتی دیده می‌شد؛ حتی اگر صاحبان این صفحه‌های مجازی با نام‌های مستعار به فعالیت می‌پرداختند؛ شناسایی و بازداشت شدند.

هم‌اکنون در زندان‌های ایران افرادی حضور دارند که نه به خاطر فعالیت‌های سازمان یافته‌ی سیاسی و یا به دلیل روزنامه‌نگار بودن بازداشت شده‌اند؛ بلکه بازداشت این افراد تنها از این روست که آن‌ها فعالیت‌هایی در شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک داشته‌اند و ادمین صفحات مختلف بوده‌اند.

• سهیل عربی

یکی از آخرین نمونه‌ها از فعالان شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک که هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد و در دادگاه حکم اعدام برای او صادر شده است؛ سهیل عربی است.

سهیل عربی، متولد ۱۳۶۳ و پدر یک دختر پنج ساله و فارغ التحصل رشته عکاسی از دانشگاه هنر و معماری و دارای تحصیلات تکمیلی در رشته عکاسی و تصویر برداری از مجتمع فنی تهران است. با اعلام جرم قرارگاه ثارالله سپاه، وی صبح ۱۵ دی ماه ۱۳۹۲ در منزلش بازداشت شد و به دلیل انتشار مطالبی در فیس‌بوک؛ به اعدام، حبس، شلاق و جریمه نقدی محکوم شده است.

وی مدیریت هشت صفحه در شبکه اجتماعی فیس‌بوک از

جمله صفحه «نسلی که دیگر نمی‌خواهد نسل سوخته باشد»، «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» و «کمپ ترک خرافات» را بر عهده داشته است.

اتهامات این زندانی، سب‌النبی، اهانت به امامان شیعه و همچنین سید علی خامنه‌ای و احمد جنتی و غلامعلی حداد عادل عنوان شده است و به دلیل این اتهام‌ها با حکم اعدام از سوی دادگاه روبه‌رو شده است.

همسر این زندانی چند ساعت پس از بازداشت آزاد شد، اما سهیل عربی به مدت دو ماه در سلول انفرادی نگهداری و سپس به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شد.

همسر سهیل عربی در مصاحبه با مرکز حامیان حقوق بشر در مورد نحوه‌ی بازداشت همسرش و برخورد با او می‌گوید: «سهیل بدون حکم بازداشت در منزل توسط مأموران سپاه دستگیر شد. حدود چهار هفته در بند ۲ الف زندان اوین در دست اطلاعات سپاه بود و چهار هفته هم در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین و بعد هم به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شد و وکیل هم داشت؛ اما وکیل

سهیل تنها نیم ساعت قبل از دادگاه توانست اولین بار سهیل را پشت در دادگاه ببیند و با او صحبت کند».

رسانه‌های حکومتی، به سهیل عربی اتهام تجاوز به «عنف» می‌زنند، اما در ۶ آذر ماه ۱۳۹۳، سایت سخام نیوز متن دادنامه «سهیل عربی» را برای نخستین بار منتشر و اعلام کرد که اعدام سهیل عربی نه به خاطر تجاوز به علف، بلکه به خاطر اتهام «سب‌النبی» است.

حکم اعدام سهیل عربی به اتهام سب‌النبی در شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور تأیید و بلافاصله پرونده او به اجرای احکام شعبه ۷۶ کیفری استان ارجاع شده است. از پنج قاضی دادگاه بدوی شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران، دو نفر حکم ۷۴ ضربه شلاق و سه نفر حکم اعدام داده بودند و در واقع حکم اعدام سهیل عربی با رای سه به دو صادر شده است. وکلای این زندانی گفته‌اند که عباس جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران از ارسال پرونده به شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور برای اعاده دادرسی خودداری کرده است. بنا به گفته‌ی وکلای این پرونده، با اقدام خلاف قانون دادستان تهران در خودداری از ارسال پرونده به دیوان عالی، هر لحظه امکان اجرای حکم اعدام سهیل عربی وجود دارد.

اولین دادگاه سهیل عربی که هم‌اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می‌برد، در تاریخ ۲۰ فروردین سال ۱۳۹۳ در دادگاه رسانه و فرهنگ به اتهام توهین به مقامات و رییس جمهوری برگزار و منجر به صدور حکم ۱ میلیون جریمه و ۷۳ ضربه شلاق برای وی شد.

این فعال سایبری در پرونده‌ی دیگری در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان به ریاست قاضی مدیر خراسانی و چهار قاضی دیگر در تاریخ ۲۵ خرداد ۹۳ محاکمه شد که به اتهام سب

یکی از آخرین نمونه‌ها از فعالان شبکه‌ی اجتماعی فیس‌بوک که هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد و در دادگاه حکم اعدام برای او صادر شده است؛ سهیل عربی است. اتهامات این زندانی، سب‌النبی، اهانت به امامان شیعه و همچنین سید علی خامنه‌ای و احمد جنتی و غلامعلی حداد عادل عنوان شده است و به دلیل این اتهام‌ها با حکم اعدام از سوی دادگاه روبه‌رو شده است.



النبی به اعدام محکوم که این حکم در شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور تأیید شده است.

وی هم‌چنین در تاریخ ۱۰ شهریور ۹۳ در شعبه‌ی ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی محاکمه و به اتهام توهین به رهبری و تبلیغ علیه نظام به سه سال حبس تعزیری محکوم شد که این حکم نیز در شعبه ۵۴ تجدید نظر به ریاست قاضی پورعرب تأیید شد.

• سهیل بابادی

سهیل بابادی متولد مهرماه ۱۳۵۷ فارغ التحصیل مهندسی کامپیوتر است که روز دوم خردادماه سال ۹۱ در آموزشگاه زبان بازداشت و مستقیماً به بند دو - الف سپاه منتقل شد. روز بعد از بازداشت؛ چند مأمور لباس شخصی، بدون ارایه‌ی حکم، به منزل وی مراجعه کرده و موبایل، کامپیوتر و تعدادی از کتاب‌های وی به همراه فیلم و آلبوم عکس‌های شخصی را با خود می‌برند.

پس از بی‌خبری خانواده پس از بازداشت او؛ با مراجعه به اماکن مربوط به اطلاعات و پس از دو روز جستجو متوجه می‌شوند که شعبه سوم دادیاری شهید

مقدس نام سهیل بابادی را در لیست افراد تحت بازجویی دارد اما آن‌ها از ارایه‌ی هرگونه اطلاعات دیگری خودداری می‌کنند و اجازه مکالمه‌ی تلفنی خانواده را هم نمی‌دهند و پس از آن نیز، ماه‌ها مراجعه‌ی خانواده برای پیگیری وضعیت وی بدون نتیجه می‌ماند.

دادیار شعبه‌ی سوم، علی‌رغم معرفی وکیل از سوی خانواده، از پذیرفتن وکیل ممانعت می‌کند و در این حین بازداشت موقت سهیل بابادی تمدید می‌شود. درخواست خانواده‌ی سهیل بابادی به جعفری دولت‌آبادی مبنی بر تعیین تکلیف پرونده، سبب می‌شود تا پرونده‌ی وی از دادرسی مقدس خواسته شود و در مردامه‌ی ۹۱ به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب ارجاع داده شود، اما چند هفته بعد به علت «نقص در پرونده»، مجدد به دادرسی عودت می‌شود.

در این میان همسر وی که باردار بوده است؛ بارها از طریق تماس‌های تلفنی به آدرسی در خیابان قنبرزاده، کوچه‌ی هفتم احضار می‌شده و فشارها بر او به صورتی بوده است که فرزند وی سقط می‌شود.

در نهایت در دی‌ماه ۹۱ سهیل بابادی از بند دو- الف به بند ۳۵۰ زندان اوین و سپس زندان رجایی شهر کرج منتقل می‌شود، اما با وجود تکمیل پرونده، هم‌چنان پرونده‌ی وی بدون رسیدگی مانده و از ارجاع پرونده به دادگاه ممانعت می‌شود. پرونده‌ی وی در در ۲۷ اسفند ۹۱ به دادگاه کیفری استان ارجاع می‌شود و اتهاماتی نظیر «سب‌النبی، توهین به مقدسات، توهین به رهبری، توهین به رییس جمهوری، اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» در پرونده‌ی وی ذکر می‌شود اما این پرونده از اسفند ۹۱ تا مرداد ۹۲ همچنان در دادگاه کیفری استان درانتظار ارجاع باقی می‌ماند و در نهایت به

شعبه ۷۹ کیفری استان با ریاست محمدرضا محمدی کشکولی ارجاع می‌شود. در دادگاه، سهیل بابادی با اصرار بر این‌که کلیه‌ی مندرجات و اعترافات با «ضرب و شتم» و «شکنجه» اخذ شده به روند پرونده اعتراض می‌کند. هم‌چنین تأکید می‌کند در میان مطالب صفحات فیس‌بوکی که با شکنجه از او به عنوان صاحب و منتشر کننده آن‌ها، امضا گرفته‌اند، مطالب و صفحاتی هست که بعد از دستگیری وی هم در آن مطلب وجود دارد و این نشان می‌دهد که مالک این حساب‌ها فرد دیگری است.

در نهایت با درخواست بابادی مبنی بر کارشناسی موافقت می‌شود و پرونده به کارشناسان رسمی دادگستری منتخب دادگاه ارجاع می‌شود. پس از دو ماه، دادگاه اعلام می‌دارد که انتساب یکی از اکانت‌های فیس‌بوکی به سهیل بابادی به نظر این تیم کارشناسی محرز نیست. دادگاه بعد از ۶ جلسه، در بهمن‌ماه ۹۲ خاتمه‌ی رسیدگی را اعلام کرد اما صدور و ابلاغ حکم تا تیرماه ۹۳ به تعویق افتاد و در تیرماه این حکم به شرح زیر ابلاغ شد: در خصوص «اجتماع و تبانی و توهین به رهبری» دادگاه اعلام عدم صلاحیت می‌کند و پرونده به دادگاه انقلاب ارجاع می‌شود. در خصوص باقی موارد حکم به ۵ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق بابت «توهین به مقدسات»، ۶ ماه حبس بابت «توهین به رییس‌جمهور» و ممنوعیت خروج از کشور و دو سال تبعید به بشاگرد بندرعباس صادر می‌شود. در آبان ماه ۹۳ به بهانه‌ی درج مطالبی از سهیل بابادی در سایت‌های اینترنتی، بازپرس شعبه‌ی سوم دادرسی مقدس به نام اسدی پرونده‌ی جدیدی با عنوان «تبلیغ علیه نظام» برای وی تشکیل می‌دهد و به شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب ارجاع می‌دهد و قاضی مقیسه حکم حبس یک ساله را برای آن پرونده صادر می‌کند.

• محمد نصیری

محمد (کوروش) نصیری در تاریخ سوم خرداد ماه سال ۱۳۹۱ در منزل شخصی خود بازداشت و به بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات منتقل شد. مأموران وزارت اطلاعات ساعت ۳ بامداد به منزل شخصی وی هجوم برده و با شکستن درب، وارد خانه‌ی وی شدند. به هنگام بازداشت، علاوه بر سلب امنیت و آرامش روانی خانواده، نصیری را به همراه برادرش مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند.

وی به دلیل فعالیت در یک صفحه‌ی فیس‌بوکی به نام «کمپین یادآوری امام نقی به شیعیان» در دادگاه بدوی در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی پیرعباسی به اتهامات «توهین به مقدسات، اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت کشور، توهین به آیت‌الله خمینی، توهین به مقام رهبری، تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، توهین به رییس‌جمهوری و نگهداری مشروبات الکلی» مجرم شناخته و به ۱۰ سال و ۶ ماه حبس تعزیری، ۳۷ ضربه شلاق و ۳۵۰ هزار تومان جریمه نقدی

محکوم شده است. این زندانی عقیدتی ۳۰ روز از مدت بازداشت خود را در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ و ۲۴۰ گذرانده است. نصیری صبح روز یک‌شنبه ۱۷ آذر ماه ۱۳۹۲ به همراه یک زندانی سیاسی دیگر بنام عبدالرضا قنبری از بند ۳۵۰ زندان اوین به زندانی در بوشهر تبعید شد، اما پس از مدتی به زندان رجایی شهر کرج منتقل و در تاریخ ۱۸ تیرماه سال ۱۳۹۳ از زندانی رجایی‌شهر کرج به بند ۸ زندان اوین منقل شد و هم‌اکنون در حال گذراندن دوران محکومیت خود در زندان اوین است.

• آرش مقدم اصلانی

آرش مقدم اصلانی متولد سال ۱۳۶۴ در تهران است که در تاریخ ۲۱ مرداد ماه سال ۱۳۹۲ به اتهام فعالیت در فیس‌بوک بازداشت و روانه‌ی زندان شد. وی از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی صلواتی با اتهاماتی نظیر «توهین به مقدسات، تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی» به هشت سال زندان محکوم شد. و حکم وی در دادگاه تجدید نظر استان تهران عیناً تأیید شد.

آرش مقدم اصلانی به خاطر اتهام توهین به مقدسات ۵ سال زندان، به خاطر اتهام تبلیغ علیه نظام به ۱ سال زندان و به خاطر اتهام اجتماع و تبانی به ۲ سال زندان محکوم شده است.

این زندانی عقیدتی هم‌اکنون در زندان رجایی‌شهر کرج به سر می‌برد.

• هشت فعال فیس‌بوکی

در تابستان و پاییز سال ۱۳۹۲ خبر بازداشت هشت فعال فیس‌بوکی از سوی رسانه‌های منتسب به جمهوری اسلامی منتشر شد. نغمه شاهشوندی، مسعود قاسم‌خانی، فرید اکرمی، مسعود طالبی، امیر گلستانی، مهدی ری شهری و فریبرز کاردارفر و رویا صابری‌نژاد نوبخت افرادی هستند که در پرونده‌ی موسوم به فعالان فیس‌بوکی تحت بازداشت قرار گرفتند. نغمه شاهشوندی به دلیل داشتن دو فرزند کوچک با قرار وثیقه آزاد شده و اکنون در شهر کرمان، محل زندگیش به سر می‌برد. این افراد ادمین صفحات فیس‌بوکی نظیر «عمام»، «ویکی فیس»، «تنهاترین زن»، «زندگی سگی»، «مرجان ماهی»، «تنهاترین مرد»، «راه که بیفتیم ترس‌مان می‌ریزد» و «دهه پنجاهی‌ها» بوده‌اند.

اوایل خرداد ماه سال ۹۳ هشت متهم این پرونده، پس از ماه‌ها بازجویی در سلول انفرادی سپاه، طی رای شعبه‌ی بیست و هشت دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه، هر یک برای اتهاماتی نظیر «توهین به مقدسات، اجتماع و تبانی به قصد برهم زدن امنیت ملی، توهین به رهبری، توهین به قوای سه‌گانه و تبلیغ علیه نظام» مجموعاً به ۱۲۷ سال زندان محکوم شده‌اند.



خبرگزاری ایرنا گزارش داد که قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران این هشت نفر را مورد تعقیب و شناسایی قرار داده و در نهایت در تیرماه ۱۳۹۲ بازداشت کرده است. پس از آن پرونده‌ی این افراد در شعبه‌ی ششم بازپرسی دادسرای شهید مقدس (دادسرای اوین) مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً در تاریخ ۲۷ بهمن ماه سال ۱۳۹۲ برای رسیدگی به شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب ارجاع داده شده است.

امین اکرمی پور (بازداشت ۹ آذر ۹۲) محکوم به ۱۳ سال و یک روز حبس تعزیری، امیر گلستانی (بازداشت ۲۹ مرداد ۹۲) محکوم به ۲۰ سال و یک روز، مسعود قاسم خانی (بازداشت ۱۰ آبان ۹۲) محکوم به ۱۹ سال و نود و یک روز حبس تعزیری، سید مسعود طالبی محکوم به ۱۵ سال و یک روز حبس تعزیری، فریبرز کاردار فر محکوم به ۱۸ سال و نود و یک روز حبس تعزیری، مهدی ری شهری (بازداشت ۲ آذر ۹۲) محکوم به ۱۱ سال حبس تعزیری، رویا صابری (بازداشت ۱۰ آبان ۹۲) محکوم به ۲۰ سال و یک روز حبس تعزیری، نغمه شاهسوندی شیرازی محکوم به ۷ سال و نود و یک روز حبس تعزیری.

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با کمپین بین‌المللی حقوق بشر عنوان کرده است: «طبق قانون قدیم مجازات اسلامی، وقتی موارد اتهامی برای متهمی متعدد بود قاضی جرایم آن‌ها را جمع می‌کرد و جمع مجازات‌ها میزان مجازات نهایی او در نظر گرفته می‌شد. اما طبق ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی که از اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ لازم الاجرا است، اگر جرایم متهمان سه مورد یا بیش از آن باشد، قاضی فقط باید بیشترین مجازات یکی از این اتهامات وارده را صادر کند. هر کدام از این جرم‌ها هم حداکثر و حداقل دارد. مثلاً اتهام اجتماع و تبانی بین ۲ تا ۵ سال است و نهایتاً ۷ سال و نیم. قاضی مقیسه در این پرونده اول حداکثر جرم‌ها را برای هر کدام از اتهامات در نظر گرفته است و بعد طبق قانون قدیم همه آن‌ها را با هم جمع بسته است.»

این زندانیان که در بازجویی و در مراحل دادگاه اتهامات وارده را رد کرده بودند، پس از صدور حکم توسط قاضی مقیسه، اعتراض رسمی خود به احکام صادره را اعلام کردند که در نتیجه‌ی این اعتراض، پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال شد.

این پرونده حدود هفت ماه، نزد قاضی پورعرب در دادگاه تجدیدنظر بود اما دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی را عیناً تایید کرد و احکام زندانیان یاد شده در نهایت، طبق ماده ۱۳۴

قانون جدید مجازات اسلامی تجمیع شد و اشد مجازات که ۷ سال برای هر متهم بود، به آن‌ها ابلاغ و اجرا شد.

امیر گلستانی، فریبرز کاردار، مسعود طالبی، مسعود قاسم خانی، مهدی ری شهری و محمد امین اکرمی، شش زندانی این پرونده، پس از تایید حکم ۵۶ سال بازداشت، به قرنطینه بند هشت زندان اوین منتقل شدند.

رویا صابری‌نژاد نویخت، یکی از متهمان این پرونده، تبعه ایرانی تبار بریتانیا است که به منظور دیدار با خانواده‌ی خود در مهر ماه سال ۱۳۹۲ به ایران سفر کرده بود. در همین حین با پیگرد قرارگاه ثارالله یکی از قرارگاه‌های امنیتی سپاه پاسداران مواجه و در نهایت بازداشت شد.

داریوش تقی‌پور، همسر صابری‌نژاد در مصاحبه‌های خود با شبکه‌های خبری مختلف گفته است که همسر چهل و هفت ساله او که به ایران سفر کرده؛ در شیراز بازداشت شد و به زندان اوین در تهران انتقال یافته است و هم اکنون به ۲۰ سال حبس محکوم شده است.

همسر صابری در مصاحبه با رادیو فردا اعلام کرده است: «همسر من روی کامپیوتر و با فیس‌بوک با چند نفر آشنا شده بود و برای دیدار با همین دوستان فیس‌بوکی به شیراز رفته بودند و آن‌جا دستگیر شدند. گفتند به خاطر این که خط قرمز را رد کرده و یک سری مسایل نوشته و یک سری مسایل را همخوان (شیر) کرده که این کار نباید انجام می‌دهد. نه خود من، نه خانواده من و نه خانواده رویا (همسر من) هیچ‌کدام‌مان مسایل سیاسی اصلاً نداریم و واقعا هم وابستگی به هیچ گروه یا شخصی هم نداریم.»

وزارت امور خارجه بریتانیا که از این موضوع آگاه است و آن را در دست رسیدگی دارد؛ به دلیل بسته بودن سفارت‌خانه بریتانیا در تهران، برای مذاکره در مورد شهروند ایرانی تبار بریتانیا با ایران با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است.

رویا صابری و همسرش از هفت سال پیش در استاکپورت واقع در حومه‌ی شهر منچستر زندگی می‌کردند و دارای تابعیت دوگانه بریتانیایی و ایرانی هستند.

این هشت متهم ساکن شهرهای مختلف ایران مانند شیراز، یزد، کرمان، آبادان و تهران هستند. با این حال همگی آن‌ها به تهران منتقل شدند و در دادگاه انقلاب تهران برای‌شان پرونده گشوده شده است. به گزارش خبرگزاری ایرنا، پرونده‌ی این متهمان مجموعاً حدود ۱۱ جلد است.

بازجویی از همسر و دختر رسول بداقی

با گذشت نزدیک به یک ماه از انتقال رسول بداقی به سلول انفرادی زندان اوین، هنوز از اتهامات پرونده جدید او اطلاعی در دست نیست. طی این مدت، ماموران امنیتی از فشار و تهدید خانواده این معلم در بند دریغ نکرده و با بازجویی از خانواده او می‌خواستند به زور از دخترش اقرار بگیرند. این در حالی است که کم‌تر از سه ماه به زمان آزادی رسول بداقی باقی مانده است.

به گزارش سایت ملی مذهبی یکی از نزدیکان این معلم زندانی با ابراز نگرانی از فشارهای جدید بر او و خانواده‌اش گفت: «همه اعضای خانواده از این که بعد از سال‌ها درد و رنج، دو و سه ماه دیگر دوران محکومیت رسول تمام می‌شد و به آغوش خانواده‌اش باز می‌گشت خوشحال بودند و برای آزادی وی روزشماری می‌کردند؛ اما ناگهان خبردار شدیم که دادسرای اوین او را برای بازجویی به شعبه ششم بازپرسی فراخوانده است و از آنجا هم به قرنطینه منتقلش کرده‌اند.»

وی در ادامه به فشارها و رفتارهای خشن با خانواده رسول بداقی اشاره کرده و از بازجویی همسر و دختر بزرگ این معلم زندانی سخن گفت: «روز شانزدهم اردیبهشت زمانی که رسول در انفرادی بود، در اقدامی عجیب ماموران به منزل او رفته و آنجا را مورد تفتیش قرار می‌دهند. در تفتیش منزل، ستایش و شکایات دولوها بسیار ترسیده بودند و بعد از رفتن ماموران از شدت ترس حالت تهوع داشتند. ماموران لب تاپ، کامپیوتر، تعدادی سی دی، دوربین و ... را با خود بردند. بعدتر همسر رسول و شبنم دختر بزرگ او را روز هفدهم اردیبهشت به شعبه ششم بازپرسی برای بازجویی احضار کردند؛ اما با نظر وکیل کانون، آنها هفدهم برای بازجویی نرفتند، زیرا پیمان عطار معتقد بود این احضار غیرقانونی است و بایستی دست کم هفتاد و دو ساعت قبل تحویل می‌شد. روز شنبه نوزدهم که همسر و دختر رسول به اوین می‌روند، در آن جا مورد بازجویی قرار می‌گیرند. ماموران در رفتار بسیار عجیبی، قصد داشتند از شبنم به زور اقرار بگیرند؛ اما با اعتراض شدید مادرش، او را رها کردند.»



بازداشت یک خبرنگار به دستور امام جمعه اسلام‌شهر

محمدرضا مرادی سردبیر نشریه بیان اقتصاد در شهرستان اسلام‌شهر به درخواست حجت‌الاسلام محمدعلی نوروزی امام جمعه این شهر و با شکایت مدعی‌العموم بازداشت شد. به گزارش گویانیوز وی در شماره آخر نشریه خود از مفاسد ولی‌الله اصغری قائم مقام ستاد نمازجمعه و رییس شورای شهر اسلام‌شهر پرده برداشته بود و در تیرتی مفاسد اقتصادی او را با محمدرضا رحیمی معاون اول احمدی‌نژاد مقایسه کرده بود. مرادی در یادداشتی با عنوان «آگه می‌خوای مدیر وشى پول وده، پول زور وده» از فروش مناصب و پست‌های مدیریتی توسط رییس شورای شهر و قائم مقام ستاد نماز جمعه اسلام‌شهر پرده برداشته است.

وی نوشته است که «مناصب و پست‌های مدیریتی در شهرداری اسلام‌شهر همانند دوره قاجار قیمت‌گذاری شده و هرکسی بدون داشتن سواد و سابقه مناسب می‌تواند با پرداخت مبلغی بین ۲۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان پست‌هایی نظیر شهرداری، معاونت شهرداری، مدیریت مناطق و ... را از آن خود کند.»

ولی‌الله اصغری علاوه بر ریاست شورای شهر با حفظ سمت قائم مقام نمازجمعه و از نزدیکان امام جمعه شهرستان اسلام‌شهر است. به همین خاطر حجت‌الاسلام محمدعلی نوروزی امام جمعه اسلام‌شهر طی تماس تلفنی از دادستان این شهر خواست تا محمدرضا مرادی دستگیر شود.



بازداشت مجدد نگار حائری و انتقال به بند ۲۰۹ زندان اوین

نگار حائری زندانی سیاسی که دو روز قبل به دادسرای امنیت احضار شده بود، بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. به گزارش سحام نیوز، نگار حائری فعال مدنی و مشاور حقوقی، روز سه شنبه ۲۹ اردیبهشت جهت بازجویی از بند زنان زندان اوین به سلول انفرادی منتقل شد. یک منبع مطلع در این خصوص گفت: «از دادسرای شهید مقدس با نگار حائری تماس گرفتند و از وی خواستند با حضور در دادسرا به دو سوال پاسخ دهد که خانم حائری با حضور در دادسرا بازداشت شده است. این احتمال می‌رود که خانم حائری به خاطر مصاحبه‌هایش در خصوص وضعیت وخیم زندان قرچک ورامین بازداشت شده باشد.»

نگار حائری زندانی سیاسی و وکیل دادگستری پس از حدود ۸ ماه بازداشت، روز چهارشنبه ۶ اسفندماه ۱۳۹۳ از زندان شهرری (قرچک ورامین) با قرار وثیقه دو میلیاردی آزاد شد. نگار حائری فوق لیسانس حقوق و وکیل دادگستری که در بازداشت قبلی، پرونده وکالت‌اش به مدت ۱۰ سال به حالت تعلیق درآمده بود، روز ۱ تیرماه سال ۱۳۹۳ به جرم ارایه مشاوره حقوقی به خانواده زندانیان سیاسی بازداشت شده بود.



در تابستان و پاییز سال ۱۳۹۲ خبر بازداشت هشت فعال فیس‌بوکی از سوی رسانه‌های منتسب به جمهوری اسلامی منتشر شد. نغمه شاهسوندی، مسعود قاسم‌خانی، فرید اکرمی، مسعود طالبی، امیر گلستانی، مهدی ری شهری و فریبرز کاردار فر و رویا صابری‌نژاد نویخت افرادی هستند که در پرونده‌ی موسوم به فعالان فیس‌بوکی تحت بازداشت قرار گرفتند. در اوایل خرداد ماه سال ۹۳ مجموعاً به ۱۲۷ سال زندان محکوم شده‌اند.

بازگرداندن خسرو منصوریان به زندان



ماموران امنیتی علی‌رغم نیمه‌کاره ماندن درمان خسرو منصوریان و برخلاف نظر پزشکان، این زندانی سیاسی ۷۲ ساله را به زندان بازگرداند. به گزارش میزان خبر، این عضو باسابقه نهضت آزادی ایران که مدتی پیش در پی حمله قلبی از زندان اوین به بیمارستان انتقال داده شده بود، روز پنجم خرداد ۱۳۹۴ توسط شماری از ماموران امنیتی و در فضایی پر تنش به زندان اوین بازگردانده شد. منصوریان در پی درخواست برای آزادی وثیقه زندان سال ۸۰ با اجرای حکم حبس ۱۳ سال پیش، به زندان اوین منتقل شده بود. آقای منصوریان یک مددکار اجتماعی باسابقه و موسس چندین مرکز مددکاری است که از آن جمله می‌توان به انجمن حمایت از کودکان ایدز و انجمن احیای ارزش‌ها و حمایت از بازماندگان زلزله بم اشاره کرد. منصوریان فعالیت خود را از دوران پیش از انقلاب شروع کرده و از آیت‌الله طالقانی اجازه دریافت وجوهات به منظور کمک به مددجویان را داشت.

برندگان صلح نوبل: نرگس محمدی را آزاد کنید



شش برنده زن جایزه صلح نوبل با انتشار بیانیه‌ای، ضمن اعتراض به دستگیری نرگس محمدی فعال حقوق بشر، بازداشت وی را مغایر با تعهدات بین‌المللی ایران دانسته و خواستار آزادی بدون قید و شرط او شدند. این زنان نوبلیست از کشورهای ایران، ایرلند، گواتمالا، لیبریا، یمن و آمریکا بر حمایت از مدافعان حقوق بشر از جمله حقوق نرگس محمدی تاکید کرده‌اند. به گزارش مرکز حامیان حقوق بشر در این بیانیه آمده است که:

نرگس محمدی نایب رییس و سخنگوی کانون مدافعان حقوق بشر روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۴ در منزل خود دستگیر شد. او پیشتر به علت فعالیت‌های حقوق بشری به ۱۱ سال حبس محکوم شده بود که این محکومیت در سال ۲۰۱۲ به ۶ سال کاهش یافت. وی در دوران زندان به شدت بیمار و برای درمان با سپردن وثیقه ملکی آزاد شد. نرگس محمدی در این دوران نیز بارها مورد بازجویی و اذیت و آزار ماموران امنیتی قرار گرفت و نهایتاً قبل از پایان درمان، مجدداً دستگیر و زندانی شد. دولت جمهوری اسلامی به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر پیوسته و متعهد اجرای آن شده است. بر اساس قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد ناظر به حمایت از مدافعان حقوق بشر و قطع‌نامه حمایت از زنان مدافع حقوق بشر؛ دولت‌ها نباید مانعی برای فعالیت‌های مدافعان حقوق بشر ایجاد کنند. قطع‌نامه حمایت از زنان مدافع حقوق بشر تاکید می‌کند: «احترام و حمایت از فعالیت‌های مدافعان حقوق بشر از جمله زنان مدافع حقوق بشر ضروری است و قطع‌نامه همه موارد نقض حقوق بشر و تبعیض علیه افرادی که در ترویج و دفاع از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تلاش می‌کنند را محکوم می‌کند».

شیرین عبادی، مایرد مگوار، ریگورتا مانچو، لیما گبوی، توکل کرمان و جودی ویلیامز امضاکنندگان بیانیه مذکور، ضمن اعتراض به حکم محکومیت و بازداشت نرگس محمدی، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط او شدند.

وخامت وضعیت جسمانی اسدالله اسدی در زندان اوین



وضعیت جسمانی اسدالله اسدی زندانی سیاسی آذربایجانی در زندان اوین رو به وخامت گذاشته است. به گزارش سحام نیوز، روز شنبه ۲ خرداد اسدالله اسدی پزشک و فعال مدنی آذربایجانی در بند ۷ زندان اوین دچار خونریزی ریه شده است. با وجود وخامت وضعیت جسمانی این فعال آذربایجانی، مسوولان زندان اوین با انتقال وی به بیمارستان خارج از زندان مخالفت کرده‌اند. بیشتر زندانیان سیاسی حاضر در بند ۷ زندان اوین با نگرش نام‌های، نسبت به شرایط اسدی ابراز نگرانی کرده و خواستار انتقال هرچه سریع‌تر وی به بیمارستان خارج از زندان شده‌اند. اخیراً این فعال آذربایجانی به اتهام تخریب اموال دولتی و اخلاف در نظم زندان، در شعبه ۵ بازپرسی شهید قدوسی زندان اوین تفهیم اتهام شد. با وجود اظهار پزشک زندان اوین مبنی بر عدم تحمل حبس به دلیل «شرایط روانی نامساعد» مسوولان این زندان در صدد افزایش دوران محکومیت وی هستند. گفتنی است اسدالله اسدی در حال گذراندن دوران ۵ سال محکومیت خود در زندان اوین تهران است. وی هم‌چنین روز ۱ آبان ۹۲ برای اولین بار و پس از ۳ سال حبس به مرخصی استعلاجی اعزام شده بود. اسدالله اسدی داغداغان روز ۲۳ تیر ۸۹ از سوی ماموران امنیتی در تبریز بازداشت شد. وی پس از تحمل ۵ ماه حبس در سلول‌های انفرادی اداره اطلاعات تبریز به تهران منتقل شده و ۴ ماه دیگر را نیز در انفرادی بندهای ۲۴۰ و ۲۰۹ زندان اوین به سر برد.



دو هفته‌نامه الکترونیک تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

سازمان حقوق بشر ایران

محمود امیری مقدم

سر دبیر

مدیار سعید نژاد

تحریریه

علی مهتدی، شیدا جهان‌بین، آیدا قجر

ویراستار

علی مهتدی

صفحه‌بندی

زهرا علی‌پور

تعاس با مجله

journal@iranhr.net

«حقوق ما» در ویرایش مطالب آزاد است